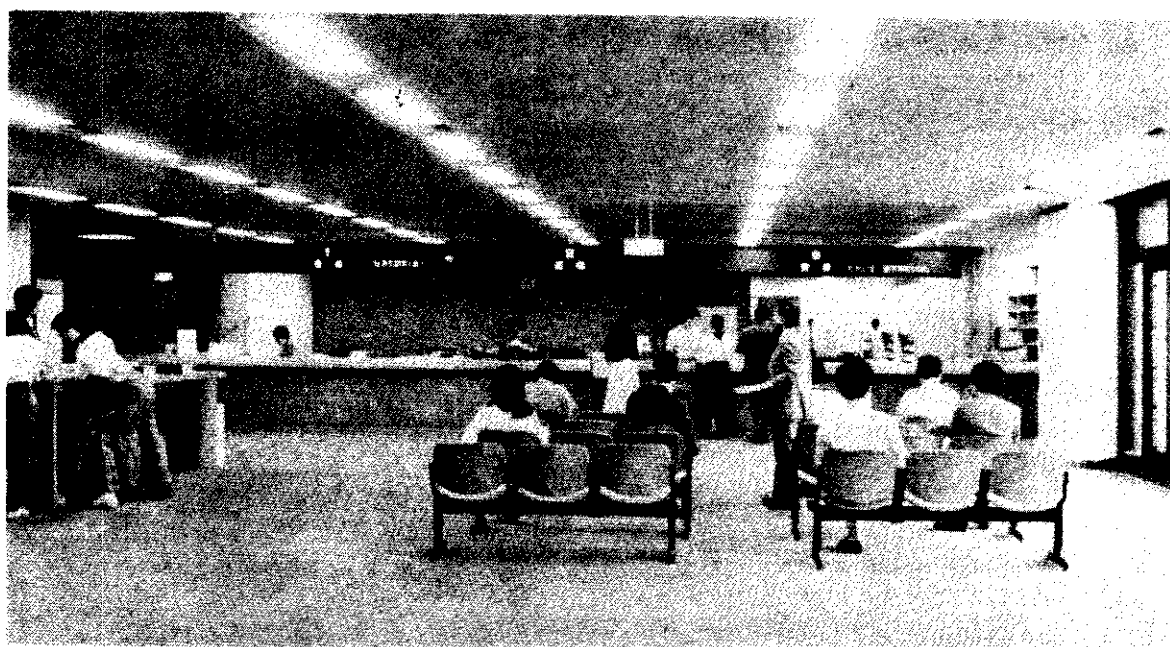


بنیاد دایرة المعارف اسلامی
عضو هیات علمی
عبدالحسین آذرنگ

۱. حضور سرکار عرض کنم که در رشته ما نحن فیه، برنامه ها با رشته های دیگر به کلی فرق دارد (از این «به کلی» غافل نشوید چون بعداً با آن کار داریم) و مقایسه کار درستی نیست. معهداً، به احترام جناب عالی مقدماً چند نکته ای عرض می کنم. در ما نحن فیه چهار مقطع تحصیلی هست. اولین مقطع، کاردانی است، اما کاردانیها از طرقی که شما و من چم و خمهایش را اصلاً نمی دانیم، دوره شان را به سرعت به کارشناسی تبدیل می کنند. پس برای اینکه کار خودمان را ساده کنیم، بهتر است تا اطلاع ثانوی از این دوره حرفی نزنیم. در دوره کارشناسی، ما دست به یکی از کارهای



عجیب زده ایم که واقعاً باید برای خودمان هورا بکشیم [مصاحبه گر و مصاحبه شونده هر دو از جا برخاستند و چند دقیقه متصل کف زدند]. بله، در همه دانشگاههای معروف و معتبر دنیا یا این دوره را تعطیل کرده اند یا دارند تعطیل می کنند، اما ما از لج آنها پشت سر هم دوره کارشناسی دایر می کنیم. حالا خواهید دید کسی از رومی رود! دوره کارشناسی ارشد که ماشاءالله این قدر تولید و زاد و ولد داشته که نسلش دارد عالم را می گیرد. در باب دوره دکتری هم اجازه بدهید بنده عرضی نکنم. می دانید خانمهای بیخشید آقایان - ما نحن فیه ممکن است خاطرشان مکدر شود. این



بخوانید ها، میادا! خواندن برای چشم ضرر دارد. از چشم بدتر، برای مغز هم مضر است. پریشانی فکری می آورد. همین ترهاتی را که من می گویم، آن هم نه کامل و دقیق، ناقص و ابتر و تندتند قلمی کنید و بعد هم کج و کوله تر از قبل به خودم تحویل دهید تا من هم خطاهای شما را، قصور و تقصیرتان را در فهم افاضاتم، یک به یک بیرون بکشم و به علم و فضل خودم مباحث بورزم، به شما پوزخند تحویل دهم، شما هم پوزخند مرا تبسم ملیح رضایت تلقی بفرمایید، و باورتان بشود، و از کنار هم راضی بگذریم.

عنایت فرمودید قضایا چه قدر ساده است؟ وقتی کتاب نخواستیم، کتابخانه هم لازم نداریم. زحمت کتاب خریدن و سفارش کتاب جدید هم نداریم. بناً علی هذا، موضوع تقسیم بندی کتابخانه ها و درجه بندی کتابخانه های دانشگاهی و دانشجویی، به قول فلاسفه عالی شأن، سالبه به انتفای موضوع است. ما اصولاً باید یاد بگیریم موضوعها را حذف کنیم، آن وقت محمولها و نسبتها به خودی خود حذف می شوند.

۴. چرا شما افعال منفی به کار می برید؟ از شما انتظار نداشتم روحیه بنده را خراب کنید. قربان بفرمایید اجتناب پذیر. بله، همه چیز اجتناب پذیر است. وقتی کتاب اجتناب پذیر شد، کتابخانه هم اجتناب پذیر می شود و بالمال تجهیزات و لوازم هم اجتناب پذیر می شود. بسیاری از سؤالا و مسائلی هم که می خواهید طرح بفرمایید اجتناب پذیر می شود.

۵. با بیشتر مدرسه های گروهها دوستم و با بعضی از آنها رفیق

مورد را از بنده ندیده بگیریید. مطمئن باشید لطف شما را فراموش نمی کنم و جای دیگر از خجالتان بیرون می آیم. بله، داشتم عرض می کردم. بنابراین، الباقی چه می ماند؟ مرحبا، همان کارشناسی ارشد. ملاحظه می فرمایید قضیه چه قدر ساده است! اگر خواستید برای دوره کارشناسی برنامه درسی بنویسید، برنامه کارشناسی ارشد را می گیرید و رقیقش می کنید. اگر احیاناً خواستید برای دوره دکتری برنامه بنویسید، همان را می گیرید و غلیظش می کنید. ملتفت عرایضم که هستید! انگار یک بطری دوا، یا آب می ریزید که رقیق شود یا قدری ملاطش را زیاد می کنید تا غلیظ شود. عنایب فرمودید؟

۲. با عرایضی که کردم بنابراین همه اش برجستگی است. چه فرمایشی می کنید، کدام کاستی؟

۳. واقعاً دانشجویان از کتابخانه هم استفاده می کنند؟ نمی دانستم. مقصود شما کتابخانه با کتاب است یا کتابخانه بی کتاب؟ می دانید، ما دو نوع کتابخانه داریم، یکی جایی است که در آن کتاب می خوانند، و دیگری جایی است که در آن درس می خوانند. درس خواندن، حتماً بهتر از من می دانید، هیچ احتیاجی به کتاب خواندن ندارد. راستش را به شما بگویم، مدتی پیش، سربیکی از دوره ها، همین فدوی، رو کردم به چندتا از دانشجویان - دانشجو که چه عرض کنم، بفرمایید بلا دیده ای که با بدبختی فرسخها راه می آید، خسته، کوفته، چرتزده، دل آدم واقعاً کباب می شود، بگذریم - و گفتم میادا یک دفعه اشتباه کنید، از دستتان دررود و کتاب





شفیق. شما توقع دارید بنده پشت سردستانم حرف بزنم، واقعاً از بنده چنین توقعی دارید؟ دربارهٔ مدرسه‌ها، واقعاً وجداناً، بینی و بین الله، چه کسی جرأت دارد حرف بزند که از بنده انتظار دارید؟ پشت دستم را داغ کرده‌ام، بفرمایید، این جای داغ، که در این خصوص یک کلمه حرف نزنم. این کارها زهره شیر می‌خواهد. یکی دوبار، از شما چه پنهان، رفتم وسط میدان مدرسه‌ها، فقط می‌توانم بگویم خدا نصیب گرگ بیابان نکند.

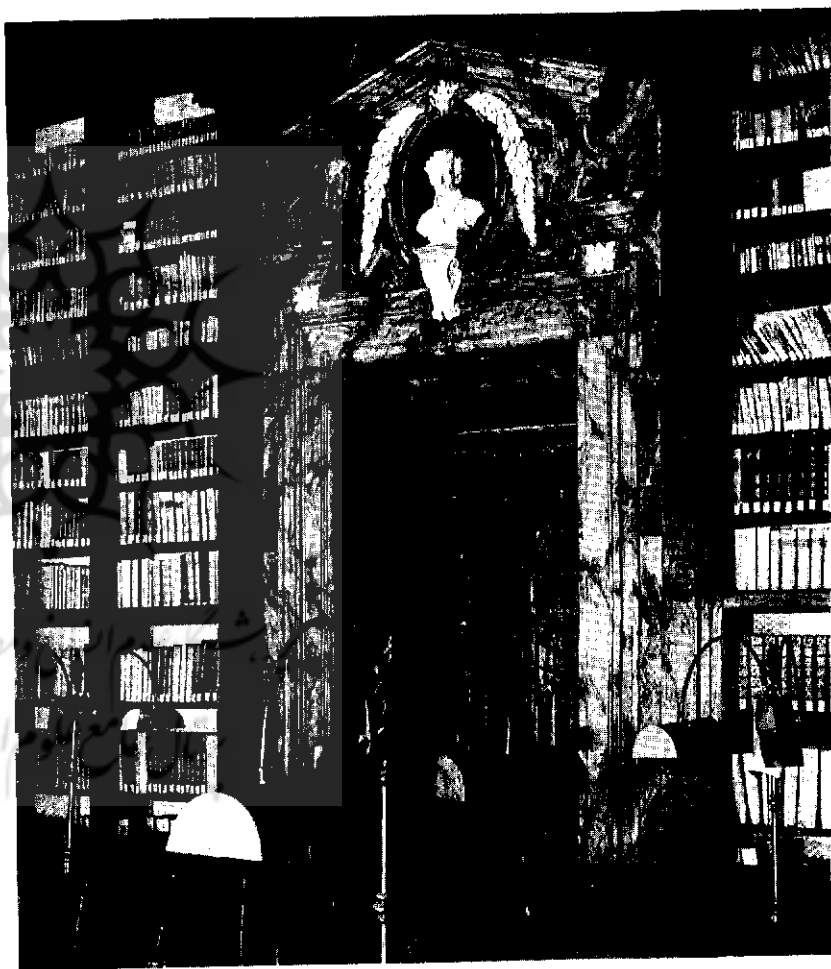
۶. مقصود شما از «سازمانهای مادر» دانشگاه‌هاست؟ تا جایی که بنده یادم می‌آید، دانشگاه‌های ما هیچ وقت مادر نبوده‌اند. زمانی که من و همین دوستانم، همین مدرسان و مدرسه‌ها که فرمودید، در دانشگاه درس می‌خواندیم، دانشگاه یک پدر بود، شاید هم دوتا. پدر واقعی سبیل کلفت، پدر حسابی. واقعاً نمی‌دانم چه طور شده که مادر شده. مطلب مهمی است، باید تحقیق کنم [قلم و کاغذ را درآورد، عینکش را زد و شروع کرد به یادداشت کردن].

البته چون این تحقیق طول می‌کشد، اجمالاً عرض می‌کنم که بهتر است این دوره‌ها را در دانشگاه‌ها تعطیل کنند و ببرند در سازمان. سازمان کجا، دانشگاه کجا! وقتی آدم توی سازمان درس بخواند خیلی حالش بهتر می‌شود تا در دانشگاه. خودتان که بهتر از من می‌دانید، دانشگاه‌ها این قدر شلوغ شده که بهتر است یواش یواش آموزشها را ببرند توی سازمانها، بخصوص سازمانهایی که کار و باری ندارند و حتماً باید سرگرم شوند. وقتی سرگرمی سازمانها زیاد شد و دانشگاه‌ها هم خلوت و بی‌کار شد، آن وقت با هم و سرفرصت با دل فارغ فکری می‌کنیم. چرا این قدر عجله دارید، ان شاء الله هر دوی ما عمر نوح می‌کنیم و می‌نشینیم مسائل دانشگاه‌ها و سازمانها را با خیال راحت رتق و فتق می‌کنیم.

۷. چه سؤال بجایی فرمودید. دانشجو گزینی در رشتهٔ مانتحن فیه همه اش نقطهٔ قوت است و نقطهٔ ضعف اصلاً و ابداً ندارد. تعجب می‌کنید؟ الان عرض می‌کنم واقعاً به هوش کسانی که این روش را به کار گرفته‌اند باید دُرود فرستاد — شاید هم سه رود — غربالی را مجسم بفرمایید. دست می‌برید مشتی دانه — و اگر خواستید بیشتر، هر چه دلتان خواست — توی آن می‌ریزید و سرنده می‌کنید، حسابی حسابی. هر چه ریخت مال رشته‌های دیگر، هر چه ته اش ماند مال رشتهٔ مانتحن فیه. ملتفت شدید چه قدر ساده و درعین حال هوشمندانه است؟

۸. بنده ارزیابی نمی‌کنم، دیگران ارزیابی می‌کنند. نوبتی هم باشد نوبت دیگران است. سازمانها دوره‌های بلند دانشگاهها را ارزیابی می‌کنند و دانشگاهها دوره‌های کوتاه سازمانها را.

۹. فوق العاده است. اگر احیاناً دیدید دو نفر دست در گردن هم



انداخته اند و دارند گل می‌گویند و گل می‌شنوند و خوش خوشان می‌روند، بدانید از افراد رشته مانحن فیه اند. به قول امروزها، رابطه شان تنگاتنگ است. اگر در سخنرانیها دیدید وقتی ناطقی حرف می‌زند یک عده برایش غش و ضعف می‌کنند، بدانید همین مانحن فیه‌ها هستند که عرض کردم. اصلاً شایسته نیست برای اینها کلماتی نظیر گروه یا گروهک یا امثال اینها به کار رود؛ اینها مثل اعضای یک خانواده اند. شما و بنده هم که الحمدلله آدمهای خانواده‌داری هستیم و می‌بینیم که در خانواده‌ها صبح تا شب همه قربان صدقه هم می‌روند.

۱۰. سؤال عجیبی می‌فرماید. نکند خیلی دست کم گرفته‌اید. مگر مانحن فیه با هر کسی یا گروهی رابطه برقرار می‌کنند؟ می‌فرمایید مجاورت؟ همجواری؟ تصدق شما کردم، مگر همسایگی شوخی دارد. از قدیم گفته‌اند الجار قبل الدار. یعنی اول همسایه، بعد خانه. مانحن فیه‌ها چون این قضایا را بهتر از شما و من می‌دانند، خانه‌هایشان را طوری انتخاب می‌کنند و می‌سازند که اصلاً هم‌جوار نداشته باشد. حیف که روزگار نامروت و بی وفاست. خیلی دلم می‌خواست یکی از شهرهای پشت کامیونی را برایتان می‌خواندم، اما چه کنم وقت احساسات و اشک نمی‌گذارد [بنا به دلایلی مصاحبه برای دقایقی چند قطع شد]...

بله، عرض می‌کردم. روزگاری بود که بعضی از خانمها - خیلی بیخشیید آقایان - رشته مانحن فیه وقتی از پله‌ها پایین می‌آمدند بنداری امپراتریسهایی از عالم خواب آمده بودند توی دنیای بیداری تو. پنداری به همه می‌گفتند بروید کنار، کوچه بدهید، راه را بگشایید که ما داریم می‌آیم. آقایان شما یادتان نمی‌آید. من آن وقتها تازه جوانی بودم و این صحنه‌های شکوهمند تاریخی را با همه احساسم چنان در روحم ضبط کرده‌ام که تا ابد فراموش نمی‌کنم. شما خیال می‌کنید این خاطره‌های باستانی و ازلی فراموش می‌شود که نوادگان مانحن فیه‌ها با هر کسی رابطه برقرار کنند [به علت شور و احساسات زاید الوصف مصاحبه قطع شد].

۱۱. بازار داخلی یا خارجی؟ ها، بله، بازار داخلی. آقایان سطح شعور مردم پایین است. شما توقع نداشته باشید مردم قدرشناسی باشند. قدرشناسی فهم و کمالات می‌خواهد، قوه تمیز و تشخیص لازم دارد و خیلی چیزهای دیگر. اگر می‌بینید عده زیادی از فارغ التحصیلان مانحن فیه چیزهایی می‌گویند و کارهایی می‌کنند که دیگران نمی‌فهمند، این از نفهمی کسانی است که نمی‌فهمند، نه از فهم کسانی که می‌فهمند. حیف نیست وقتی از «آموخته» صحبت می‌کنیم، از «بازار»

حرف بزیم؟ در مانحن فیه وقتی می‌نشینند و برنامه می‌ریزند یک پایشان روی این ابر است و پای دیگرشان روی آن ابر و عالمی را سیر می‌کنند که در میخ‌پدر و پدر جد بنده و شما نمی‌گنجد. ابر کجا، آسمان کجا، افقهای دوردست کجا، بازار کجا!

۱۲. امیدوارم سؤال آخرتان باشد، وگرنه ممکن است از فرط تعجب بنده در همین حال تا ابد بمانم. جناب عالی که خیلی بهتر از من می‌دانید که کیست که حق مانحن فیه را نخورده باشد. آقایان مردم بخیل اند، حسودند، چشم ندارند ببینند، نمی‌گذارند حق به حق دار برسد، همه و همه دست به دست هم داده‌اند که جلوی شرف و ترقی مانحن فیه را بگیرند، و گرنه همان گفته قبلی را عمل می‌کردند و کار تمام می‌شد. واقعاً تأسیس وزارت مانحن فیه کاری دارد؟ فقط کافی است به یکی از خانمها - بیخشیید آقایان - بگویند شما از این لحظه وزیر مانحن فیه هستید، فقط. خواهید دید که در طرفه العینی چه دم و دستگاهی به پا می‌شود و چه محشر کبرایی برپا. مردم بلند نظری ندارند، اگر دست من بود، وزارت که سهل است، همین برنامه ریزان مانحن فیه را جمع می‌کردم و می‌بردم توی یکی از جزیره‌های خوش آب و هوا. می‌فرمایید کجا؟ بله، در وسط اقیانوس آرام جزیره‌های خوش آب و هوا فراوان است. و بعد می‌گفتم بفرمایید توی این بهشت یک جمهوری خودمختار مانحن فیه برپا کنید؛ البته اگر جمهوری هم نخواستند، نخواستند. سرود، پرچم، انواع و اقسام نشانها، لباسهای متحدالشکل و هر چه دلشان خواست. در آنجا کنگره‌های ایفلا و فید و امثالهم را می‌توانند هر روز بر پا کنند. اصلاً کسانی باشند که صبح تا شب توی کنگره کنگر بخورند و لنگر بیاندازند. مدام، از کله سحر تا وقتی بوق شب را می‌زنند، درباره کتاب و کتاب در مانحن فیه حرف بزنند و حرفهایشان را چاپ کنند و از رادیو و تلویزیون پخش کنند. اما این پیشنهاد کلی، که به قول فروبنیهای عزیز همه مسائل را «بکلی» حل می‌کند، یک شرط جزئی هم به همراه دارد که تا این شرط تحقق نیابد آن نتیجه به بار نمی‌آید: کتاب نباید خوانند، اما سنگ کتاب را باید به سینه زد؛ از کتابندگان باید منتفر بود، و کتاب را به چماقی تبدیل باید کرد و بر فرق سر آنها کوبید؛ روح کتاب را در گور باید کرد، اما جنازه آن را برداشت و برایش قشقرق به راه انداخت. در جمهوری - بیخشیید، در امپراتوری - مانحن فیه در اقیانوس آرام، از صبح تا شب می‌توان بر سر این جنازه چه سخنرانیهای غرابی که نکرد.





۴. تشکیل انجمن کتابداری که خواست اصلی کتابداران کشور است می‌تواند در جوار سایر فعالیتهایش به امر ارزیابی فعالیتهای آموزشی مراکز آموزش کتابداری اقدام نماید و در این رابطه دستورالعملها و خط مشی های لازم الاجرائی تدوین کند.

۵. چند پیشگی اساتید این رشته که یا به دلیل عدم جوابگویی مادی دانشگاهی که به عنوان مدرس تمام وقت در آن به کار اشتغال دارند و یا به سبب نیاز فزاینده مراکز آموزشی به مدرسان باتجربه صورت می‌گیرد، امری رایج است و این مسأله از کیفیت تدریس آنها در هریک از مراکز آموزشی می‌کاهد. اگر وزارتخانه های فرهنگ و آموزش عالی با بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که هریک به نوعی درگیر امر آموزشی کتابداری و اطلاع رسانی هستند ترتیبی اتخاذ نمایند که نیازهای اساتید شاغل در هر مرکز آموزشی در همان مرکز به نحو احسن برآورده شود و در نتیجه آنها تمامی نیروی خود را در خدمت همان مرکز قرار دهند، هم کیفیت آموزشی در مراکز مختلف بالاتر خواهد رفت و هم اساتید از سرگردانی و چندپیشگی رهایی خواهند یافت و هم بتدریج نیروهای جوانتری به تدریس در مراکز مختلف اشتغال پیدا خواهند نمود.

۶. در حال حاضر تشتت آراء و عقاید در گروههای آموزشی کتابداری به حدی نمود یافته است که گاهی جلوههایی از اختلاف و تعارض بین آنها بروز می‌نماید و جای آن دارد که جلسات هماهنگی منظمی برگزار گردد که گروههای مختلف آموزشی در محیطی دوستانه به حل و فصل مشکلاتی که احياناً در روابط بین آنها وجود دارد بپردازند و بدیهی است که جامعه کتابداری ایران از هماهنگی و وحدت رویه میان گروههای مختلف آموزش کتابداری سود فراوان خواهد برد.

پیشنهادهایی برای بهبود امر آموزشی در این رشته مفید به نظر می‌رسد که به شرح زیر می‌توان عنوان کرد:

۱. از آنجا که دانش آموختگان کتابداری و اطلاع رسانی پس از فراغت از تحصیل (در مقاطع مختلف) آشنایی بسیار اندکی با تکنولوژی جدید بخصوص در زمینه کامپیوتر و علوم وابسته به آن دارند، پیشنهاد می‌شود که تعداد واحدهای بیشتری در این زمینه در دروس این رشته گنجانده شود.

۲. در حال حاضر دروس خاصی در دوره های مختلف تدریس می‌شود که در بسیاری موارد برای دانشجویان تکراری است. پیشنهاد می‌شود که بررسی عمیقی در کلیه دروس مقاطع مختلف صورت گیرد و دروس تکراری آنها حذف و هر واحد درسی فقط در یک مقطع تدریس شود و در سایر مقاطع درسی به آن نام وجود نداشته باشد.

۳. کارهای تحقیقی کلاسی فاقد هرگونه خط مشی مدون در انتخاب موضوع، نحوه انجام کار، کاربرد مشخص، تقدم و تاخر نسبت به کارهای دیگر است. پیشنهاد می‌شود که در مرکزی تحت عنوان «مرکز تحقیقات کتابداری» که می‌تواند مستقل یا زیر نظر کتابخانه ملی فعالیت کند کلیه نیازهای تحقیقاتی مربوط به حوزه کتابداری و اطلاع رسانی مورد بررسی قرار گیرد و گزارشهای تحقیقی مناسب برای مقاطع مختلف تحصیلی پیشنهاد شود و جایگاه هر تحقیق در یک ساختار تزاروسی نسبت به سایر تحقیقات مشخص شود. این مرکز علاوه بر این کار می‌تواند محلی باشد که کلیه سازمانهای علمی و تحقیقاتی کشور نیازهای خود را در زمینه کتابداری و اطلاع رسانی به آنجا منعکس نمایند.

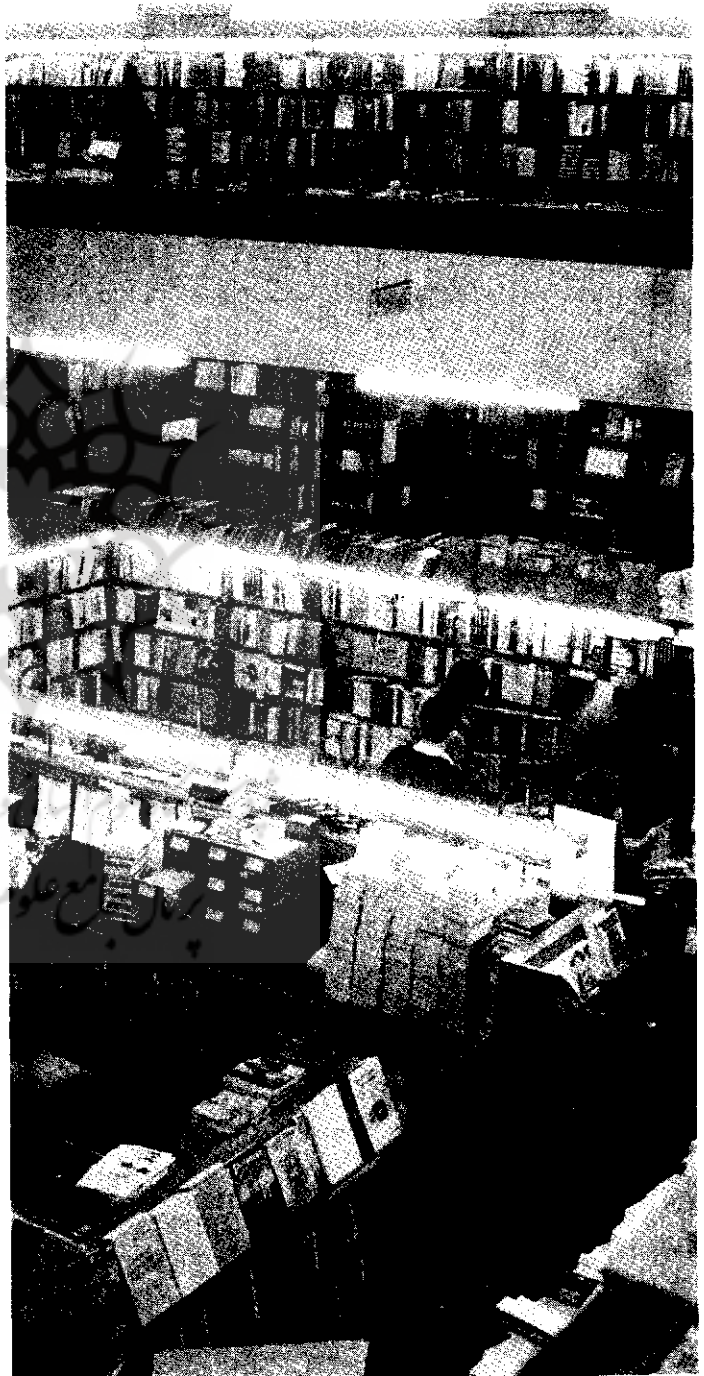


۱. با توجه به تجربه‌های به دست آمده در سالهای اخیر و نیازهای مختلف جامعه، تغییر بنیادی در کلیه برنامه‌های موجود اعم از کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ضرورت دارد. اینکه تغییرات در کجا و توسط چه کسانی اعمال شود نیز مهم است. به نظر می‌رسد که دادن استقلال به گروههای آموزشی و تنظیم و اجرای برنامه‌های متنوع از نظام متمرکز فعلی مناسب‌تر است. البته وجود نوعی مرکزیت برای تأیید اصولی و ارزیابی مستمر نحوه اجرای برنامه‌ها بسیار سودمند خواهد بود.

۲. ارزیابی روش تدریس را می‌توان با در نظر گرفتن چند ضابطه سنجید، از جمله اینکه: الف. آیا برای هر بار تدریس یک درس مطالب آن نو و بازسازی می‌شود؟ ب. آیا رابطه بین کلاس و کتابخانه رابطه‌ای واقعاً فعال است؟ ج. آیا دانشجویان در طول نیمسال موظف به ارائه یک یا چند تکلیف هستند؟ د. آیا کلاس لااقل یک بار در نیمسال از یکی از مراکز مناسب دیدن می‌کند؟ ه. آیا امکان صحبت و اظهار نظر در کلاس فراهم می‌آید؟ ح. آیا از استاد میهمان برای طرح نظریه جدید یا تجربه‌های به دست آمده دعوت می‌شود؟ و غیره. ولی آنچه با روش تدریس می‌آمیزد برجستگی یا کاستیهای مدرس را نمایان می‌کند دانش مدرس و شخصیت علمی و اجتماعی اوست.

۳. اطلاعات من به کتابخانه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران محدود است. خدمات این کتابخانه به دانشجویان - علی‌رغم کوشش کلیه همکاران - در سطح مطلوب نیست، زیرا دانشکده نتوانسته است نیروی انسانی متخصص و فضای لازم را در اختیار کتابخانه قرار دهد. از جمله، با اینکه تاکنون چند بار در مورد ضرورت تأسیس بخش مرجع با مدیران مذاکره شده این کار هنوز انجام نگردیده است. ناگفته نماند که براساس اخبار رسیده وضع کتابخانه ما از بسیاری از مراکز دیگر بهتر است.

۴. تجهیزات و لوازم مناسب تنها برای خدمت به مدرس و کلاس اهمیت ندارد، بلکه اینها اسباب و وسایلی هستند که به استقلال فکری دانشجویان و پیشرفت فردی او کمک می‌کنند و سبب آزادی او در عرصه پژوهش و تجربه می‌گردند. از جمله تجهیزات و لوازم می‌توان از ضرورت تولید منابع فارسی به





آیا ارزیابی دانشجویان از مدرسان به صورت جدی از سوی مدیران بررسی می‌شود؟ نقش مدیران گروه در توجه به عملکرد یکایک مدرسان و بررسی مستمر عملکرد کلی گروه می‌تواند در اعتلای کیفی کار هر مدرس و مجموع گروه مؤثر باشد.

۶. در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ زمانی که فکر تأسیس گروه آموزشی کتابداری در دانشگاه تهران مطرح شد، با توجه به موارد مشابه در امریکا، گروه در دانشکده جدیدالتأسیس علوم تربیتی قرار داده شد. در همان زمان هم بودند کسانی که با قرار گرفتن گروه در دانشکده ادبیات موافق تر بودند. تصمیم دانشگاه تهران سبب شد که اکثر گروههای کتابداری در همین جایگاه تشکیلاتی تأسیس شود. با توجه به اینکه کتابداری و اطلاع‌رسانی علوم مادر است و به کلیه علوم ارتباط پیدا می‌کند در بسیاری از دانشکده‌ها می‌تواند قرار بگیرد ولی باید پذیریم که به هیچ کدام تعلق کامل نخواهد داشت. در واقع تا کتابداری و اطلاع‌رسانی به صورت دانشکده یا واحد آموزشی مستقل در نیایند، هرکجا که باشد با همین مشکل روبرو خواهد بود. در عین آنکه تعصبی نسبت به وابستگی این گونه گروهها به علوم تربیتی ندارم، هیچ نوع جابه‌جایی بدون مطالعه را به صلاح هیچ‌یک از گروههای آموزشی نمی‌دانم.

صورت کتاب و مجله، توسعه کتابخانه‌های اختصاصی موجود شامل آثار فارسی و انگلیسی و تجهیز آنها به وسایل اطلاع‌رسانی جدید، تأسیس آزمایشگاههای مختلف، از باب مثال در حوزه انتخاب و سفارش، فهرست‌نویسی ورده‌بندی، خدمات مرجع، بانکهای اطلاعاتی، تهیه آثار برای نوسادان، وسایل و تجهیزات مربوط به معلولان و غیره، و بالاخره همکاری گروههای آموزش با مسؤولان اجرایی کشور در مورد تأسیس کتابخانه‌های تجربی نمونه برای مشاهده عینی و انجام کارورزی نام برد.

۵. بدون تردید هر مدرس به آبروی آموزشی خود فکر می‌کند و بالا بردن کیفیت تدریس برایش مطرح است. با این حال به نظر کیفیت تدریس در هیچ یک از گروههای آموزش به طوریک دست در سطح مطلوب نیست. مشکل پیش از آنکه از مدرس باشد از نظام آموزشی است. باید این سؤال مطرح شود که نظام آموزشی برای اعتلای دانش مدرسان چه کرده است؟ آیا منابع اطلاعاتی به مقدار لازم تهیه شده است؟ آیا مدرسان از امکان شرکت در مجامع بین‌المللی، ادامه تحصیل، فرصتهای مطالعاتی، دوره‌های بازآموزی و غیره بهره‌بردار شده‌اند؟ آیا کوششهای ویژه مورد توجه و تشویق قرار می‌گیرد؟



گروههای آموزش کتابداری وجود ندارد. به نظر من بسیاری از همکاران در تهران و در سراسر کشور از این وضع رنج می‌برند. شاید بیش از هر چیز حرکت فردی از سوی یکی از مدیران گروههای آموزش راه‌گشا باشد. منطقی‌ترین روش ارتباط میان گروهها تشکیل نشستهایی پیرامون مسائل آموزشی است و این نوع جلسات زمانی جان‌می‌گیرد و تداوم می‌یابد که گروه تنها مجری برنامه‌ها نباشد. چنانچه امکان تشکیل انجمن وجود داشت، این شکل از کار می‌توانست درد افزا، دل‌سردی و از هم بی‌خبری را به گونه‌ی جامع‌تری برای همه کتابداران کشور حل کند.

۱۰. پاسخ به این پرسش به تجربه‌ام در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران محدود می‌شود. زمانی که جلسات عمومی، آموزشی و پژوهشی، انتخاب کتاب و انتشارات و غیره برقرار است، مجموع گروههای آموزش در کنار هم به صورت یک خانواده عمل می‌کنند، و رابطه‌های بین گروهی صمیمی و فعال است و زمانی که هر گروه در لاک خود فرومی‌رود رابطه‌ها کمتر و کمتر می‌شود. نقش مدیریت دانشکده‌ها در این مورد اساسی است.

۱۱. ظاهر امر این است که تقاضا برای کتابدار زیاد است و فارغ‌التحصیلان این رشته بی‌کار نمی‌مانند. در پاسخ به سؤال اول عرض کردم که کلیه برنامه‌ها احتیاج به بازنگری دارد. در این بازنگری باید حد و حدود اطلاعات و توانکاری هریک از مقاطع تحصیلی کاملاً روشن شود تا کارفرما بتواند نیاز خود را با جذب نیروی مناسب برطرف کند. البته باید توجه داشت که در بسیاری از موارد کارفرما خودش نمی‌داند که چه می‌خواهد، فقط دنبال کسی است که فکر می‌کند در امر فهرست‌نویسی و کامپیوتر همه کاره است؛ به این ترتیب دست به انتخابهای نادرست می‌زند و کار آن‌طور که باید و شاید راه نمی‌افتد. ایجاد رابطه‌ی مشورتی با گروههای آموزشی می‌تواند بخشی از مشکل را حل کند. در سالهای مدیریت گروه، کاریابی برای فارغ‌التحصیلان را جزو وظایف خود می‌دانستم، زیرا انطباق آموخته‌ها با نیاز کتابخانه‌ها و سایر مراکز اطلاع‌رسانی همواره آسان نیست.

نکته‌ی دیگر توجه به پیشرفتهای بسیار سریع در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است. به نظر می‌رسد کارفرمایان باید به طور دائم برای بهره‌گیری از جدیدترین دستاوردها در جهت بازآموزی نیروی انسانی خود سرمایه‌گذاری کنند. تشخیص نیاز بازار کار در سطح کشور و تجهیز برنامه‌های آموزشی برای رفع این نیاز فاصله‌های موجود را کم خواهد کرد.

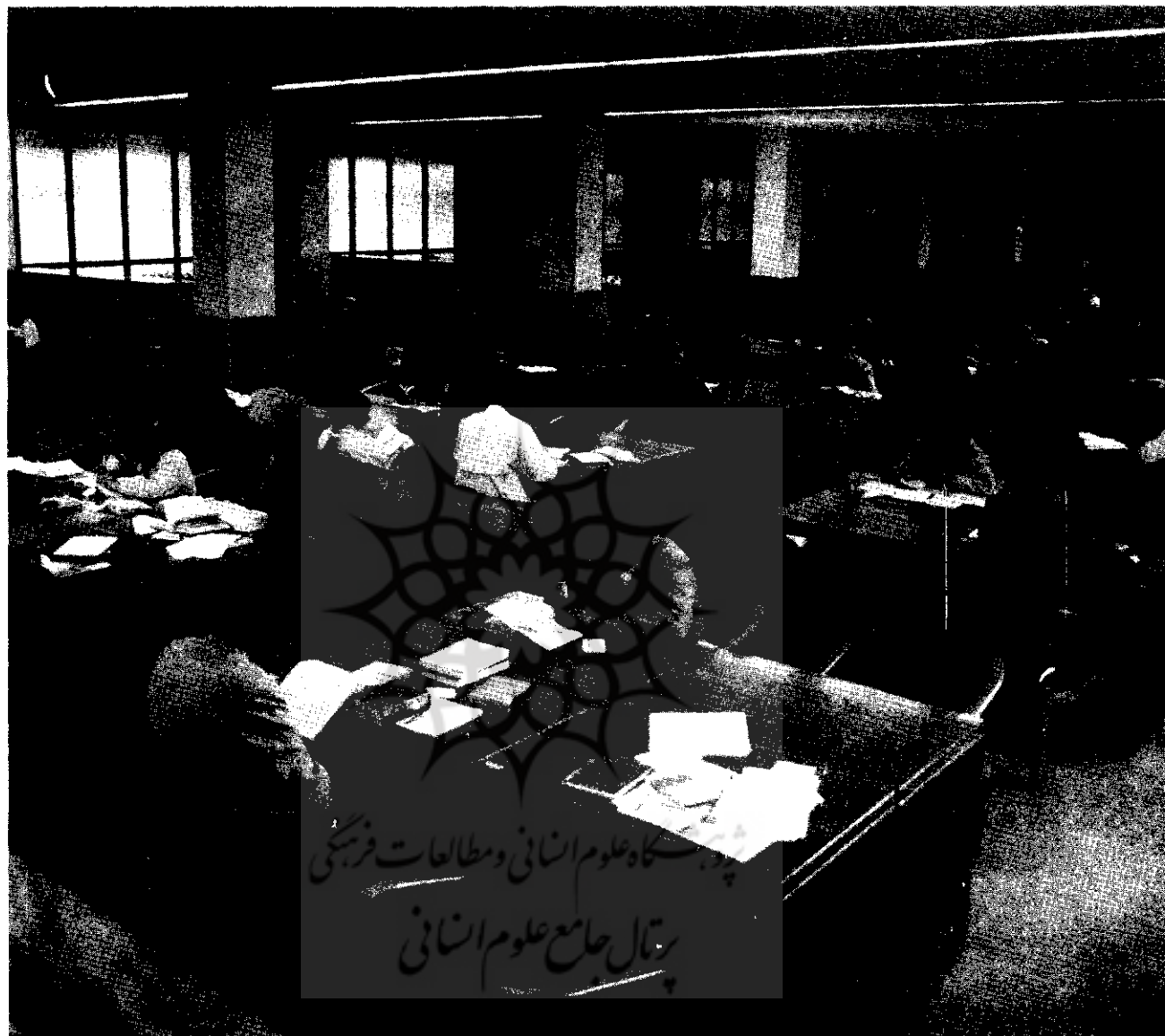


۷. توصیه می‌کنم برای دوره‌های کاردانی و کارشناسی، داوطلبان کلیه رشته‌ها بتوانند در آزمون سراسری کتابداری شرکت کنند. محدود کردن رشته کتابداری به رشته‌های علوم انسانی نادرست و دور از واقع‌بینی است. مقطعی کردن رشته کاردانی به صورت فعلی درست نیست. امکان پیشرفت تحصیلی از کاردانی به کارشناسی ناپیوسته باید به صورت مستمر پیش‌بینی گردد. گزینش دانشجو باید براساس آزمون اختصاصی با نظر گروههای آموزشی انجام شود. در مورد دوره کارشناسی ارشد، هر گروه آموزشی باید در انتخاب دانشجو استقلال کامل داشته باشد. شیوه گزینش فعلی به نظر مطلوب نیست. مورد دوم ضرورت محدود کردن دوره کارشناسی ارشد به فارغ‌التحصیلان دوره‌های کارشناسی کتابداری است. خاتمه دادن به دوگانگی فعلی برای بالا بردن کیفیت آموزش و پژوهش در دوره کارشناسی ارشد ضروری است.

۸. تشتت در آموزش حاصلی جز تضعیف، خستگی و دوباره‌کاری ندارد و این دقیقاً حادثه‌ای است که در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی در حال رخ دادن است. در کنار مراکز رسمی دانشگاهی بسیاری از سازمانها و وزارتخانه‌ها برای آموزش این رشته در مقاطع مختلف تحصیلی مجوز گرفته‌اند. راهی که در پیش گرفته شده، بدون تردید، منجر به بالا رفتن کیفیت آموزش یا اعتلای کتابداری و اطلاع‌رسانی نخواهد شد. تدوین سیاست آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی از سوی دولت می‌تواند گامی اساسی برای خاتمه دادن به هرج و مرج حاضر باشد. نکته‌ی دیگری که به نظر حایز اهمیت است ضرورت پیدا کردن راهی است که به اصطلاح «معادلها» در دل نظامهای بسته زندانی نشوند.

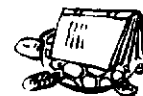
۹. در حال حاضر متأسفانه هیچ رابطه سازمان یافته‌ای میان





ب. کمبود واحدها و ساعات دروسی است که احتیاج به تمرین و کسب مهارت‌های بیشتری دارد، مانند دروس سازماندهی، مرجع، و مجموعه‌سازی. ابتدا لازم است برای هریک از این دروس دویا سه واحد به آشنا کردن دانشجویا فلسفه و میانی این دروس تخصیص داده شود و در ترمهای بعدی نیز دو واحد عملی و دو واحد نظری برای هر درس سازماندهی از دوره‌های کاردانی تا کارشناسی ارشد در هر ترم منظور گردد و تقسیم بندی برنامه‌ها بر این اساس که در

۱. در برنامه‌های درسی مقاطع مختلف اعم از کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دونوع کمبود وجود دارد و یک تجدیدنظر نیز لازم است.
الف. کمبود درسهایی که نیازهای امروزی کتابداران را برآورده سازد و این درسها بیشتر به مسائل مربوط به پیشرفتهای تکنولوژی در کار کتابداری مربوط است. از قبیل دروس مربوط به علم کامپیوتر، شناخت و ساختار زبانهای آن و چگونگی استفاده آن در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی.



سطح کاردانی، سازماندهی مواد چاپی فارسی را آموخته و رده بندی دیویی را به خوبی بداند و در دوره کارشناسی، مواد چاپی لاتین و رده بندی این مواد پرورش کتابخانه کنگره آموخته شود و دیگر دانشجویان دوره کارشناسی ارشد مجبور نباشد به این میانی و مقدمات پردازد بلکه کار سازماندهی مواد غیرکتابی را دنبال کند. در مورد آموزش دروس مرجع و مجموعه سازی نیز باید روشهایی از این قبیل اعمال شود.

ج. در برنامه های درسی مقاطع کارشناسی ارشد اگر دانشجویان دوره کارشناسی کتابداری پذیرفته می شوند - که باید هم پذیرفته شوند - لازم است که از گذراندن این گونه واحدهایی که در بالا ذکر شد معاف شده و این نوع واحدها البته برای دانشجویانی که کارشناسی علوم دیگر را دارند الزامی است. در عوض دانشجویانی که کارشناسی کتابداری دارند می بایست واحدهای دیگری از علوم اجتماعی، تربیتی، ارتباطات و غیره را که در کتابداری مورد لزوم است بگذرانند.

۲. به طور کلی شاید همگان بر این عقیده باشیم که معلمی هنر است و طبیعی است کسی که از این هنر بهره ای نداشته باشد در کلاس توفیقی نخواهد داشت. این مشکل در آموزشهای کتابداری همچون دیگر آموزشها وجود دارد و نتیجه این کاستیها گریبانگیر دانشجوی این رشته خواهد بود.

مسأله دومی که همیشه نارضایتی دانشجویان کتابداری را موجب می شود برگزار کردن دروس عملی تنها به صورت نظری است. دروس عملی احتیاج به کار مداوم، پیگیری و ارزشیابی شده از سوی استاد دارند. متأسفانه تعداد معدودی از مدرسان دروس عملی وقت و حوصله کافی برای پرداختن به این مهم را دارند و برگزاری دروس عملی فقط به طریق نظری و یا تأکید کمتر بر تدریس عملی، کاستیهایی را در کار فارغ التحصیلان این رشته به وجود می آورد. بخصوص آن گروه از این دانش آموختگان که بلافاصله جذب محیطهای کار تخصصی می شوند خیلی سریعتر و ملموستر از دیگر رشته های علوم انسانی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی به کمبودهای آموزشی خود واقع می گردند و همیشه از گروههای آموزشی خود گله مند هستند.

مسئله سومی که بیشترین کاستیها را در روش تدریس مدرسان موجب می شود عدم آگاهی از روشهای آموزشی کتابداری در دنیا و عدم پی گیری و باخبری از یافته های جدید آموزشی در کشورهایی است که پیشرفتهایی در آموزش کتابداری داشته اند.

مدرسان این رشته مگر تعداد بسیار اندک که تحصیلات خارج از ایران دارند همه روشی خود ابتکاری و یا تقلیدی از

آموزش استاد خود که کمتر آن نیز صحیح بوده است دارند و این عدم آگاهی و عدم تماس با آموزش کتابداری در دنیا روز بروز کتابداری ما را از پویایی باز داشته است.

۳. با اطمینان می شود گفت که هیچکدام از گروههای آموزشی کتابداری در ایران امکانات کتابخانه ای کافی برای آموزش این رشته را ندارند. البته تفاوت زیادی وجود دارد و گروهها تواناییهای متفاوتی دارند، اما در نهایت همه با کمبودهایی روبرو هستند که برای بعضی شدیدتر است.

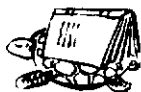
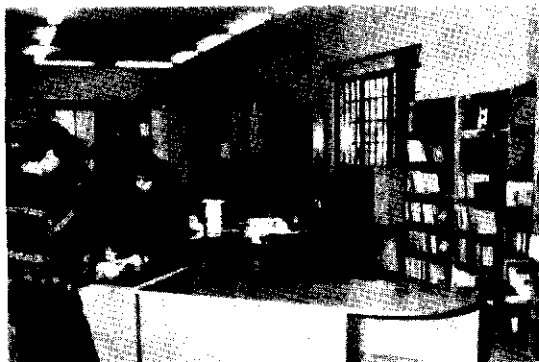
۴. در مقاطع کاردانی و کارشناسی دانشجویان ما با دو کمبود روبرو هستند.

اول کمبود ابزار کار عملی در دروس عملی خود از جمله دروس مرجع، مجموعه سازی، سازماندهی و غیره که لازم است حداقل برای هر سه دانشجوی هر نوع ابزار کار عملی که در یک ترم دانشجویان آن کار می کند موجود باشد.

دوم کمبود متون کتابداری بخصوص به زبان فارسی است. این یک واقعیت است که دانشجویان ما در مقاطع کاردانی و کارشناسی، دانش زبان خارجی و از جمله انگلیسی بسیار ضعیفی دارند و متون کتابداری موجود به این زبان برایشان قابل استفاده نیست. گذشته از آن لازم است که متونی به زبان فارسی و در زمینه کتابداری در ایران و با مسائل موجود در ایران نوشته شود که این خود نیز از وظایف مدرسان این علم به شمار می آید. باعث شرمساری یک گروه کتابداری است اگر نتواند این معدود متون موجود به زبان فارسی را در اختیار دانشجویان خود قرار دهد، که متأسفانه هنوز در بعضی از گروهها این چنین است.

در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری یکی از تجهیزات بسیار ضروری دریافت چکیده منابع کتابداری و اطلاع رسانی (Lisa) به صورت چاپی یا به صورت دیسک (CDROU) است.

دومین ابزاری که هر گروه آموزشی را پویا و اطلاعات مورد رد و بدل آن گروه را روزآمد می کند وجود نشریات





این رشته و کاستیهایی در کار آنها می‌شود.

۶. در این مورد نیاز به اطلاعات و تحقیقاتی در این زمینه است که آیا در همه دانشگاهها، این گروه آموزشی جزء گروههای دانشکده علوم تربیتی به شمار می‌آید یا وضع متفاوتی دارد. اما به نظر می‌رسد که چه جزء دانشکده علوم تربیتی باشد چه در شمار گروههای دانشکده دیگری باشند جای مناسب و زمانی رسیده که این گروه آموزشی در دانشگاه تبدیل به دانشکده‌ای شده و گروههای مختلف آموزشی کتابداری و اطلاع‌رسانی به وجود آید. در چنین صورتی حل مشکلات، تصمیم‌گیریها و توسعه گرایشها و گنجانیدن دروس ضروری و مناسب سهلتر و امکان‌پذیرتر خواهد شد.

۷. در مقطع کاردانی و کارشناسی شیوه‌گزینش دانشجو باید به روال شیوه‌گزینش دانشجویی برای دانشکده‌های زبان خارجی باشد. یعنی بعد از کنکور عمومی با احتساب ضریبهای مناسب برای دروس زبان، ادبیات فارسی و تعیین حداقل نمره بالایی برای پذیرش در این رشته، کیفیت پذیرش دانشجو در این رشته را بالا ببرند، حال چه این رشته به صورت فعلی در گروههای آموزشی و یا در دانشکده انجام گیرد. آنچه مهم است پذیرش دانشجویانی با سواد کافی در دروس زبان انگلیسی، عربی و ادبیات فارسی است، نه انتخاب پس‌مانده‌های همه رشته‌های علوم اجتماعی، تربیتی و انسانی که به هیچ رشته‌ای از این دانشکده‌ها راه پیدا نکرده‌اند.

۸. هدفهای مقاطع مختلف تحصیلی در این رشته مشخص نیست. بدین معنی که فردی که با فوق‌دیپلم فارغ‌التحصیل شده در یک کتابخانه به کاری گمارده می‌شود که در کتابخانه دیگر آن کار توسط یک فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی ارشد انجام می‌گیرد. یعنی اگر به فرد در سطح کاردانی تواناییهای خاص آن مقطع داده شود او نخواهد توانست ادعای انجام کاری را داشته باشد که توانایی انجام آن در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به دانشجو داده می‌شود. ولی وقتی هدف از آموزش هر مقطع یعنی سطوح آموزشی مشخص شود، این مشکل که البته وضع اجتماعی و اقتصادی کتابخانه‌ها و کتابداری مملکت نیز به آن دامن می‌زند کمتر خواهد شد.

۹. ارتباط بین گروههای آموزشی مسئله‌ای است که در ایران بسیار مهجور و دور از ذهن باقی مانده است و حتی در مواردی ارتباط دوستانه و همکاری ممکن به صورت اعمال نظرهای



ادواری است. اگر نشریات هسته این رشته مورد بررسی قرار گرفته و با یقین اولویتها بین گروههای آموزشی تقسیم و تهیه شود در کمترین مدت هر دانشجوی این رشته به مقاله‌ای از یک نشریه ادواری که در یک گروه آموزشی معین تهیه می‌شود دسترسی خواهد داشت. بنابراین، اولویتهای اولیه در همه گروهها، اولویتهای دوم بین گروههای یک شهرستان و اولویتهای سوم با تقسیم‌بندی کشوری تهیه شده و دسترسی کلیه دانشجویان این رشته را به نشریات ادواری ردیف اول تا سوم از نشریات هسته را فراهم خواهد ساخت.

خرید متون جدید کتابداری در گروهها یا وضع اسفناکی روبروست که باید هرچه زودتر مورد بررسی و اقدام فوری قرار گیرد. در غیر این صورت عملاً آموزشهای مقاطع کارشناسی ارشد تا حدودی و در مقاطع دکتری کاملاً بی‌محتوی خواهد بود.

۵. مدرسان این رشته در ایران سه دسته‌اند. یک عده که آگاه، مجرب، مسؤول و دلسوز هستند بسیار قلیل و از تعداد انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کنند. گروه دوم دارای دانش نسبی اما با تجربه و مسؤول و دلسوز هستند و وجود آنها تاکنون تداوم کار گروههای آموزشی این رشته را فراهم ساخته اما متأسفانه تعداد این گروه نیز چندان فراوان نیست. گروه سوم آنهایی هستند که آگاهی کافی دارند یا ندارند بمانند، آنچه مهم است مسؤول و دلسوز نیستند و تعداد این گروه متأسفانه از دو گروه فوق بیشتر است و موجب نارضایتی فراوان دانشجویان

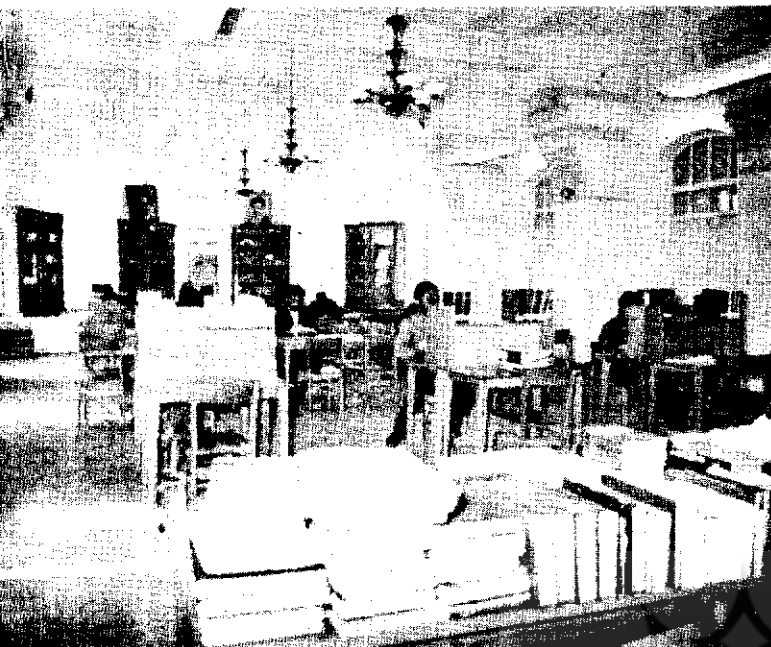


خصمانه‌ای نیز تجلی می‌کند. گروههای آموزش کتابداری نیز به علت کمی تعداد دروس از شرایط عدم همکاری و ارتباط بیشتری رنج می‌برند. به نظر می‌رسد که گروهها هیچ‌گونه مشاوره و اشتراک مساعی در مسائل آموزشی اعم از تقاضای ایجاد و یا حذف دروس به شورای عالی انقلاب فرهنگی و با تدوین برنامه‌های مناسب برای دروس و گسترش گروهها ندارند. این مسأله باعث شده که برنامه‌های درسی تصویب شده از کیفیت لازم برخوردار نباشند و صدمه آن متوجه دانشجوی و به طریق غیرمستقیم متوجه کتابداری ایران است.

۱۰. ارتباط واقعی چگونه و به چه روالی است مشخص نیست، اما آنچه در سطح دلخواه می‌تواند وجود داشته باشد ارتباط این گروه آموزشی با گروههای کامپیوتر دانشکده‌های علوم است که رشته نرم‌افزار کامپیوتر را دارند و می‌توانند تدریس بسیاری از دروس مورد لزوم این رشته از جمله مبانی کامپیوتر، آشنایی با زبانها، مبانی برنامه‌نویسی و نظایر آن را به عهده بگیرند و مسلماً چنین آموزشهایی بسیار مفیدتر خواهد بود.

گروههای آموزشی دیگری که می‌توانند در این همکاریها سهمی داشته باشند گروههای ارتباطات یا دانشکده ارتباطات است که برای تدریس بعضی از دروس این رشته می‌توان از مدرسان کارآموده و مطلع که نتایج کارشان تاکنون مشخص و مورد تأیید بوده استفاده کرد. بدیهی است این چنین همکاریهایی سطح دانش فارغ التحصیلان کتابداری را بالا برده و به تواناییهای کاری آنها می‌افزاید. ولی به نظر می‌رسد که گروههای آموزشی کتابداری کمتر از چنین موقعیتهایی استفاده کرده‌اند.

۱۱. به طور کلی نظام آموزش دانشگاهی یک مملکت پایه و اساس کارایی دانش‌آموختگان آن نظام است که متأسفانه این نظام در مملکت ما بسیار کم به جنبه‌های کاربردی علمی که در دانشگاه آموزشی داده می‌شود توجه داشته یا کارایی دانش‌آموختگان خود را مورد عنایت قرار داده است. طبیعتاً گروههای آموزشی کتابداری نیز از این قاعده عمومی مستثنی نیستند. اما گروههای آموزشی کتابداری بسته به عوامل مختلفی از جمله قدمت آموزشی و تجربیات اندوخته شده، تعداد مدرسان کارآموده و دانشمند و تخصیص داوطلبان باسوادتری از کنکور سراسری دانش‌آموختگانی با سطوح متفاوت تخصص دارند که این واقعیت نمی‌تواند به هیچ دلیلی انکار شود. اما در هر گروه آموزشی نیز دانشجویانی که از صمیم قلب به این رشته علاقه‌مندند و به آموزش آن دل سپرده‌اند که از همان دوران دانشجویی مشخص است که کتابداران موفق و مفیدی در آینده خواهند بود و نیز دانشجویانی وجود دارند که نه علاقه‌مند هستند و نه قصد

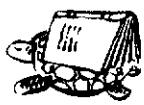


دارند کتابدار باشند که البته این مقوله را با آنها کاری نیست و نمی‌توانیم این روال را تغییر دهیم.

۱۲. اولین پیشنهاد در خصوص تغییر روش گزینش دانشجویان که در پرسش هفت پاسخ آن ذکر شده است.

پیشنهاد دوم در خصوص بهبود روشهای تدریس است که گروههای آموزشی می‌بایست پرسشنامه‌های مناسبی برای تدریس هر درس اختصاصاً تهیه کنند و حتی پرسشنامه‌ها در شوراها و گروههای آموزشی مورد بررسی و تصویب قرار گیرند و در پایان هر ترم برای نظرخواهی از دانشجویان به آنها ارائه شده و پاسخهای دانشجویان تجزیه و تحلیل شده، نتایج آن برای بهبود روش آموزشی در اختیار مدرسان آن درس قرار گیرد. چنین ارزیابیهایی امروزه از عوامل اولیه پیشرفت هر آموزشی در دنیای مرفعی است و نباید آن را نادیده گرفت و یا به دلیل مشکلاتی که در اجرا دارد از آن صرف نظر کرد.

سومین پیشنهاد مربوط به اقداماتی برای بهبود برنامه‌های درسی است که باید جلسات مشترکی از مدیران و صاحب نظران گروههای آموزش کتابداری تشکیل شود و درباره ایجاد دروس مناسب نیازهای روز در برنامه‌های درسی و دروسی که تعداد واحدهای آن نیاز به افزایش دارد و یا حذف دروس وقت گیر و بی‌فایده اشتراک نظر به عمل آمده و تصمیم گیریهای لازم به مراکز زیربط برای تصویب پیشنهاد شود.





دکتر عباس حُری

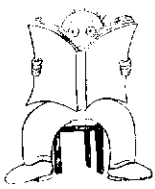
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقاله جامع علوم انسانی

تکرارهای بهبود یافته پیشگیری می‌کند بلکه همه دست اندرکاران برنامه آموزشی از قبیل برنامه ریزان، مدرسان، و دانشجویان، تکلیف خود را در هر موضع و مقطعی که قرار دارند می‌دانند.

برنامه ریزی برای مقاطع تحصیلی کتابداری بعد از انقلاب، از آغاز با بلا تکلیفی روبه‌رو بوده است. ابتدا، به دلایلی تنها برای دوره کاردانی و کارشناسی ارشد برنامه ریزی شد. در نتیجه، دروس دوره کاردانی به گونه‌ای دیده شده است که پاسخگوی نیازهای مورد نظر باشد. چندی نگذشت که کاردانان به اعتراض برخاستند که «این چه برنامه‌ای است که بخش میانی ندارد. از کاردانی مستقیماً به کارشناسی ارشد خیز برمی‌دارد». درخواستها و فشارها سبب شد که این خلأ میانی به صورت کارشناسی ناپیوسته ترمیم

۱. معمول در برنامه ریزی مقاطع تحصیلی آن است که هر مقطع در پیوند با مقاطع قبل و بعد از آن برنامه ریزی می‌شود؛ به طور مثال درسی که امروز در برنامه دوره کاردانی منظور می‌گردد جایگاهش نه تنها در پیکره برنامه کاردانی، بلکه در برنامه مقاطع بعدی، یعنی کارشناسی، کارشناسی ارشد، و احتمالاً دکتری نیز توجیه می‌شود. درسی که به برنامه کارشناسی راه می‌یابد باید با دروس مشابه آن در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری و نیز با دروس پایه و اصلی دوره کاردانی سنجیده شود. به عبارت دیگر باید ابتدا جریان تربیت دانشگاهی متخصصان را در قالبی کلی دید و سپس برای هر مقطع طبق اهداف پیش‌بینی شده، کارایی مورد انتظار، و احتمال ادامه تحصیل در مقاطع بعدی برنامه ریزی کرد. این روش نه تنها از



شد. یعنی فارغ التحصیلان کاردانی می‌بایست در آزمون‌های ورودی شرکت جویند تا وارد برنامه کارشناسی شوند. طبعاً برای ورود به کارشناسی ارشد - که این هم از نوع ناپیوسته است - نیز آزمون‌های ورودی الزامی بود. در عین حال کارشناسی پیوسته کتابداری نیز به مجموعه برنامه‌ها افزوده شد. این مجموعه از دروس و برنامه‌ها، با همه اشکالات درونی هر برنامه و روابط تعریف نشده میان برنامه‌های مقاطع، هم اکنون پیش روی گروهها، مدرسان، و دانشجویان است. علی‌رغم بخشنامه‌های مودی که گهگاه به گروههای آموزشی می‌رسد و به آنها اجازه می‌دهد که واحدهایی را جابه‌جا، حذف یا اضافه کنند، مسائل کماکان گریبانگیر کلیه عناصر آموزشی است.

تجربه تاکنون نشان داده است که برنامه‌ریزی متمرکز از این گونه نارساییها خالی نیست. ضرورت دارد که گروهها مستقلاً به برنامه‌ریزی بپردازند. بدیهی است قوالب کلی را می‌توان در ارگانی متمرکز تعیین کرد، ولی تهیه ریز دروس و برنامه‌ها را باید به گروهها وا گذاشت. در چنین صورتی است که می‌توان رقابت سالم علمی میان گروههای آموزشی پدید آورد.

۲. روش تدریس در هر رشته و موضوعی که باشد، مجموعه‌ای از فن و تجربه و هنر است. فن و تجربه آموختنی است. اولی را می‌توان در متون و دروس تدریس یافت و فرا گرفت، و دومی را سالها و دوره‌های کار و تدریس تأمین و تضمین می‌کند. اما هنر برخاسته از خلاقیت و دریافت معلم است. چگونگی و تناسب استفاده از فنون و تجارب را هنر معلمی تعیین می‌کند، و تصادفاً همین بخش از این مجموعه است که سبب می‌شود معلمی را موفق و معلم دیگری را ناموفق کند. در میان معلمان این رشته متأسفانه معدودند کسانی که یافته‌های تجربی و اندوخته‌های خود را مبتکرانه با هم درآمیزند و به تناسب مخاطبان خود عرضه کنند. با انتقال کلیشه‌ها نمی‌توان اهداف آموزشی دروس یا برنامه‌ها را تحقق بخشید. باید پیوسته توجه داشت که تدریس در واقع ایجاد نوعی ارتباط میان معلم و متعلم است، و در ارتباط می‌بایست راه و روشهای جذب و جلب مخاطب ارتباط را شناخت و از آنها سود جست.

برخی می‌پندارند صرف داشتن تجربه عملی در کتابخانه موفقیت در تدریس را تضمین می‌کند. اما از این نکته نباید غافل شد که درک انجام یک فعالیت یک چیز است و توان انتقال آن درک به دیگران چیز دیگر.

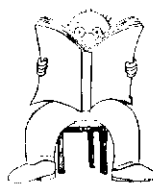
به همین ترتیب فراگیری از طریق متون نیز به تنهایی توفیقی برای معلم پدید نمی‌آورد. درک درست جایگاه علمی

آن آموخته‌ها ضرورتی است که نمی‌توان انکار کرد. این دو قطب زمانی با یکدیگر درمی‌آمیزند که ابتکار و خلاقیت که لازمه معلمی است به کار افتد و وحدتی میان نظر و عمل پدید آورد و آن پیکره واحد را نیز به گونه‌ای شایسته به دانشجویان عرضه کند. این تلفیق در حوزه‌هایی نظیر حوزه‌ها که ماهیتاً دوجنبه‌تین و بافته‌ای از دو رشته نظر و عمل است، حائز اهمیت بیشتری است.

در همین جا نکته ظریفی را نیز باید ذکر کرد. فراگیری از طریق متون (تقویت وجه نظری) و گذران سالیان در بستر کار و تجربه (تقویت وجه عملی) فی‌نفسه حائز هیچ ارزشی نیست. مطالعه و مراجعه مکرر به متون بدون نقطه نظر انتقادی نسبت به محتوای آنها، و تکرار یک سلسله فعالیت‌های شغلی به صورت مکانیکی و بدون تفکر درباره‌ی چونی و چرایی آنها، نه منزلت نظری پدید می‌آورد و نه شأن عملی و تجربی. وقتی سخن از نظر و عمل به میان می‌آید نوع مطلوب آن مدنظر است و این نوع مطلوب جز با داشتن ذهنی نقاد و خلاق فراهم نمی‌آید.

۳. کتابخانه در رشته ما به سه شکل مورد استفاده قرار می‌گیرد: الف) نظیر کتابخانه برای هر رشته دانشگاهی دیگر، یعنی محلی که متون و منابع مرتبط با مباحث درسی مناسب حال مدرسان و دانشجویان را سازماندهی و عرضه می‌کند؛ ب) به عنوان آزمایشگاه، یعنی محلی که ماده اصلی این رشته را در قالبهای مختلف نگهداری و ارائه می‌کند، همانند آزمایشگاه شیمی برای رشته شیمی، و آزمایشگاه سنگ شناسی برای رشته زمین شناسی؛ ج) محلی برای تجربه عملی و کارآموزی، نظیر کلاسهای ابتدایی و متوسطه برای کارورزی دانشجویان معلمی و کارخانه برای کارآموزی دانشجویان فنی و مهندسی.

متأسفانه هر سه شکل این کتابخانه‌ها ضعیف است. ضعف نوع اول ناشی از عواملی است که سایر کتابخانه‌های دانشگاهی نیز گرفتار آنند: بی‌توجهی مسئولان، جدی نگرفتن مدرسان، و بی‌اعتنایی نسبی دانشجویان، جملگی سبب ضعف محتوایی آنهاست. ضعف نوع دوم بعضاً ناشی از عوامل نوع اول و بعضاً برخاسته از سوء تلقی برخی از دست اندرکاران و مدرسان از رشته‌ای است که با آن سروکار دارند. هنوز مفهوم «علت مادی» در این رشته جا نیفتاده است. مایعی نارنجی در شیشه برای عامی تنها انگیزه‌ای ناشی از رنگ پدید می‌آورد، اما برای شیمیدان، عناصر ترکیب و علت پدیدار شدن آن رنگ اهمیت دارد. رنگ پریده بیمار، خویشاوندان او را دچار دلسوزی و همدردی می‌کند، لیکن پزشک به عوامل پدید آمدن رنگ پریدگی در بیمار می‌اندیشد.



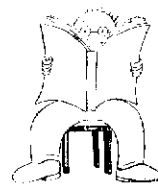


برخورد کتابدار با کتاب در این شکل از کار برخوردی متفاوت با دیگران نسبت به کتاب است. کتاب ماده و موضوع کار اوست و سزاوار آنکه آن را تشریح و تفضیح کند و بازشناسد. ما مطلقاً فاقد این نوع کتابخانه هستیم. البته این خود بحث مشبعی می‌تواند که در اینجا مجال آن نیست.

ضعف شکل سوّم کتابخانه، یعنی محل تجربه عملی و کارآموزی، ناشی از ضعف دوشکل پیشین است. کتابخانه‌ای نمی‌توان یافت — و جای تأسف است — که مطلوبهای بیان شده در کلاس را بتوان در آنها جست و جو کرد. کتابخانه‌ها به ندرت از سیاست مجموعه‌سازی قابل دفاع، سازماندهی منضبط، ارائه خدمات مناسب، به روز بودن منابع، مدیریت شایسته، و... برخوردار باشند. دانشجویانی که برای نخستین بار — ولی به صورت تمرینی — وارد عرصه عمل می‌شود میان آنچه هست و آنچه باید باشد چنان فاصله‌ای می‌یابد که ناخواسته دچار یأس حرفه‌ای می‌گردد.

بنابراین، می‌توان گفت که کتابدار کوزه‌گری است که خود از کوزه شکسته آب می‌خورد.

۴. کتابداری اساساً سروکارش با تجهیزات است. از متداولترین آنها یعنی برگه‌دان و قفسه کتاب، گرفته تا تکنولوژی نوین. در واقع دانشجویان فعلی و کتابداران آتی ناگزیرند با انواع میکروفیلم خوان، میکروفیش خوان، چاپگرهای مربوط، کامپیوتر، و نیز نرم افزارهای مختلف کتابخانه‌ای آشنا باشند. بنابراین، آزمایشگاهی با همه این تجهیزات و لوازم اعم از اینکه در کتابخانه دیده شود یا اینکه واحد مستقلی را به خود اختصاص دهد، به عنوان بخشی از



مواد و لوازم آموزشی ضروری است. در حال حاضر، مراکز آموزشی کتابداری از این جهات زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

۵. مدرسان این رشته نیز، نظیر سایر رشته‌های دانشگاهی، یکدست نیستند. جمعی علاقه‌مند، جدی، و مسؤولیت‌پذیرند، گروهی توخالی ولی مدعی، و تعدادی بی تفاوت و بی‌غمی. بدیهی است سنگینی بار آموزشی بردوش گروه اول است، ولی گروههای دوّم و سوّم بابت آن خصلتهای خود از امتیازی محروم نیستند، بمانند، گاه از مزایای بیشتری برخوردارند. هرگاه نظام ارزشگذاری درستی به کار مدرسان حاکم نباشد، کمترین تأثیر چنین آمیزه ناهمگونی آن است که برخی افراد گروه اول را نیز به انفعال بکشد.

پیشنهاد بنده آن است که هر دانشگاه، جمع کوچکی از متخصصان بی نظر، دلسوز، و پاینده به اصول و ضوابط اخلاقی را مأمور کند که به صورت ادواری در کلاسهای درس مدرسان شرکت جویند و عملکرد آنها را ارزیابی کنند و دانشگاه نیز براساس گزارش آن گروه درباره هر مدرس تصمیمی جدی بگیرد. نمی‌دانم اصول این کار باید در مجلس مطرح شود، مصوبه دولت می‌خواهد، یا جریان دیگری را باید طی کند. آنچه مسلم است آن است که جریان فعلی اگر بر همین منوال ادامه یابد، نظام آموزش عالی از درون تباہ خواهد شد.

۶. اگر این سؤال ده سال پیش می‌شد شاید پاسخ به آن ساده‌تر می‌بود. هر چه می‌گذرد یافتن پاسخ مناسب دشوارتر می‌نماید. جایگاه یک رشته علمی در دانشگاه در قیاس با سایر رشته‌ها و میزان وابستگی آنها به یکدیگر تعیین می‌گردد. رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی پیوسته به رشته ارتباطات نزدیکتر می‌شود؛ و در واقع، باید گفت رابطه‌اش با ارتباطات بیشتر کشف و روشن می‌شود (چون علی‌الاصول این نزدیکی پیوسته وجود داشته است). پیشنهاد مشخص بنده این است که دانشکده‌هایی با نام دانشکده علوم اطلاع‌رسانی و ارتباطات تأسیس شود، و این دو حوزه در چارچوب همکاری جدی و دوستانه علمی برای ارتقاء و تقویت بنیه علمی خود بکوشند.

۷. یکی از گرفتاریهای این رشته در طول عمرش، سرگردانی در گزینش دانشجویان بوده است. هنوز تعریفی روشن از حداقل شرایط معلومات پیشین برای ورود به مقاطع مختلف تحصیلی این رشته ارائه نشده است. زمینه‌هایی که به عنوان حداقل شرایط عنوان می‌شود به هیچ وجه با دروسی که دانشجویان باید پس از قبولی و تحصیل در رشته، بگذرانند تناسب ندارد. بیشتر افرادی که وارد مقاطع مختلف این رشته می‌شوند قدم در تاریکی می‌گذارند. در واقع «پشک» می‌اندازند. بازتاب این بیگانگی را در کلیه مقاطع — کاردانی، کارشناسی، و کارشناسی ارشد — می‌توان یافت.



قصور در این امر، از جهتی متوجه وزارت فرهنگ و آموزش عالی، و از لحاظی متوجه دست اندرکاران این حوزه است. بدیهی است این گونه ورود به رشته نتایج گه‌یاری نیز دربر نخواهد داشت. متأسفانه ضعف در شناساندن این رشته به افراد جدیدالورود از سوی برخی مدرسان نیز مزید بر علت است. هنوز هستند مدرسانی که تنگی افق دیدشان نسبت به تعریف و تعیین چارچوب این رشته سبب شده است که چشم‌انداز بسیار حقیرتری از رشته برای دانشجویان ترسیم کنند، به گونه‌ای که حتی شایستگی منزلت دانشگاهی رشته نیز مورد تأمل قرار گیرد.

نظام دانشگاهی ما شیوه متمرکز را سالهاست که آزموده است. بد نیست دوره‌ای را نیز به سخن افراد دلسوز بیندیشد، و گزینش دانشجویان را به گروه‌ها واگذارد. ایجاد رقابت سالم علمی میان گروه‌های آموزشی، خصوصاً در مقاطع بالاتر، حرکت ناپسندی نیست. محصول عمل گروه‌ها در بازار کار خود را نشان خواهد داد و ارزش فعالیت، برنامه، و تدریس هر گروه پس از مدتی نه‌چندان دراز، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت و روشن خواهد شد.

۸. وجود مقاطع تحصیلی در نظام دانشگاهی امری پذیرفته شده و معمول است. آنچه اهمیت دارد تعریف حدود و ثغور برنامه هر مقطع و رابطه مرتبه‌ای دروس مقاطع مختلف است. دروس فعلی در مقاطع مختلف به گونه‌ای است که گویی تعداد مشخصی درس شناخته شده را از مواضعی بریده‌اند و هربرش را به مقطعی اختصاص داده‌اند، و تعدادی درس دیگر نیز به عنوان متمم - تا سقف مقبول و مصوب - به آن افزوده‌اند. مدرسان نیز به سلیقه خود یا بنا بر مصلحت اندیشی حرفه‌ای، قیچی خاص خود را دارند و از مواضعی دیگر برش می‌زنند. در این میان، آنکه واله و حیران پیوسته «سرقیچی» جمع می‌کند دانشجوست.

همان طور که در پاسخ سؤال اول نیز اشاره شد، لازم است کلیه برنامه‌ها با نگاهی سیستمی و تبیین روابط مقاطع و دروس مورد بازنگری قرار گیرند. این کار هرچه زودتر صورت گیرد مطلوبتر است.

۹. متأسفانه رابطه‌ای میان گروه‌های آموزشی این رشته وجود ندارد. حتی در برخی موارد، اصرار بر قطع هر گونه ارتباط است. گاه دانشجویی که برای کسب نظر در مقیاسی گسترده‌تر، سراغ اعضای گروه دیگر می‌رود، از سوی گروه مربوط به دانشجوی مورد مؤاخذه شدید و گاه تهدید قرار می‌گیرد. این عمل زشت و غیر علمی سبب شده است که برخی از دانشجویان ناگزیر شوند پنهانی به کسب نظر یا طرح سؤال از اعضای گروه دیگر بپردازند. چنین مدیریت بیمارگونه‌ای در برخی گروه‌های آموزشی، دیگر جایی برای ارتباط رسمی و

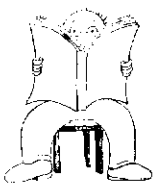
تعریف شده علمی میان گروه‌ها باقی نمی‌گذارد.

در یک مدیریت سالم، انتظار می‌رود که حتی گردهماییها و داد و ستدهای علمی مستمر میان گروه‌ها سبب حل مسائل علمی و حرفه‌ای آنها شود، که نتایج آن طبعاً نصیب کلیه گروه‌ها خواهد شد.

۱۰. بدیهی است هر گاه با خود چنین باشیم، با گروه‌های دیگر بهتر نخواهیم بود.

۱۱. فارغ التحصیلان مقاطع مختلف از دو جهت در بازار کار با مشکل روبه‌رو می‌شوند؛ یکی به سبب کافی نبودن محتوای دروس یا درست اجرا نشدن آنها در حین تدریس که باعث می‌شود با نیازهای بازار کار هماهنگی لازم برقرار نگردد. دیگری به دلیل انتظار ناهنجاری است که از فارغ التحصیلان مقاطع گوناگون می‌رود. مشکل نخست را باید در گروه‌های آموزشی حل کرد، چون عمدتاً برخاسته از توان معلم، محتوای دروس، و تجهیزات و ملزومات ضروری برای دروس مختلف است. مشکل دوم ناشی از نبودن درک درست در مدیران کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی از تواناییهای مقاطع مختلف تحصیلی است. بسیاری از این گونه مراکز تصویری کلی از برنامه‌های این رشته دارند و گمان می‌برند که صرف فارغ التحصیل شدن از این رشته برای انجام هرگونه فعالیتی در کتابخانه - از صدر تا ذیل - کافی است. آنچه را که منطقی است از فارغ التحصیل کارشناسی ارشد انتظار می‌رود، از فارغ التحصیل کاردانی انتظار دارند. زمانی که اظهار عجز می‌کند آموخته‌های او را به باد انتقاد می‌گیرند. حتی این سوء درک را در تقاضاهایی که از سوی کتابخانه‌ها برای فارغ التحصیلان این رشته به گروه‌ها می‌رسد می‌توان دریافت: زمانی که درخواست خود مطرح می‌کنند که «به فارغ التحصیل کاردانی یا کارشناسی، و یا کارشناسی ارشد نیاز دارند». چنین خواسته‌ای حاکی از آن است که نه مشکلات خود را به درستی می‌شناسند و نه قابلیت‌های فارغ التحصیلان مقاطع مختلف را. بنابراین، مقطع تحصیلی برایشان چندین تفاوتی نمی‌کند.

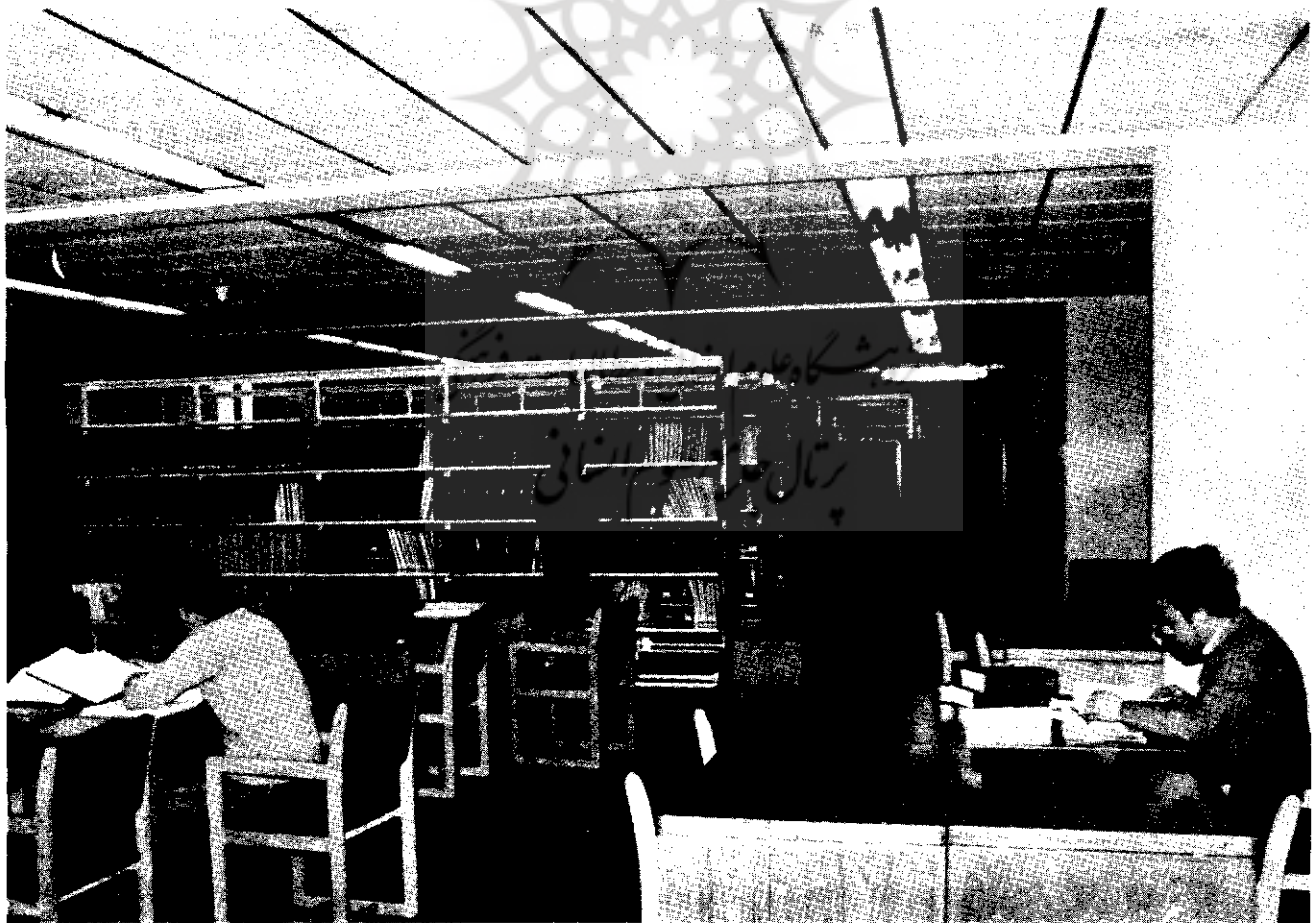
۱۲. در واقع سر جمع آنچه گفته شد به این کلیت می‌انجامد که برای بهبود و ایجاد پویایی بیشتر در این رشته باید کلیه عناصر آموزشی این رشته، اعم از گروه‌ها، برنامه‌ها، مدرسان، تجهیزات، و شرایط ورود یا خروج دانشجویان از برنامه‌ها را مورد بازنگری دقیق و جدی قرار داد. چنین بازنگری بی، حتی در حالت عادی نیز پس از گذشت چندین سال از شروع جدید برنامه‌ها - پس از انقلاب اسلامی - امری ضروری است، همان گونه که در دنیا نیز هر از چندگاهی به تجدید نظر در برنامه‌های آموزش عالی مبادرت می‌ورزند.





امیدوارم به همکاران عزیز برنخورد ولی به جرأت می‌توان گفت: «از ماست که بر ماست». مربیان و مسئولان آموزش کتابداری ما بیشتر به خود اندیشیده‌اند تا به حرفه، و هر اقدامی را در جهت مصلحت بینی شخصی نموده‌اند نه منافع و مصالح رشته. بگذارید به عنوان نمونه نگاهی به مقاطع تحصیلی موجود بیندازیم. در برنامه اولیه، مقاطعی که برای این رشته ضروری تشخیص داده شد کاردانی و کارشناسی ارشد بود. کاردانی همان گونه که توسط گروه‌های پزشکی و کشاورزی برنامه ریزی شد و با موفقیت هم ادامه دارد، نه تنها مشکلی نیافرید بلکه بسیاری از تنگناهای نیروی انسانی این رشته را رفع کرد. اما در کتابداری چون اکتفا کردن به تدریس در دوره کاردانی برای برخی از مدرسان و متخصصان ما برخوردنده و ناگوار بود با اتکای به نیروهای فشار موجب توسعه برنامه و پیدایش کارشناسی ناپیوسته و پیوسته

در ارتباط با نظرخواهی آن نشریه، اجازه می‌خواهم قبل از پاسخ دادن به پرسشها به این مقدمه پردازم که مشکلات و مسائل کتابداری ایران، چه از بعد آموزشی و چه از لحاظ عملی، به صورت زنجیره‌ای وابسته به هم و اجزای آن متأثر از یکدیگرند. بنابراین، نمی‌توان به شکل مجزّد در آنها به غور و بررسی پرداخت. در نگاهی به وضعیت این رشته و منزلت کنونی آن در کشور، به راحتی می‌توان گفت که اگر کتابداری تنها رشته غریب نیست مسلماً یکی از رشته‌های غریبی است که تلاش می‌کند تا شاید موجودیتش را حفظ کند. نگاهی به وضع کتابخانه‌ها، مدیریت آنها، برخورد مسئولان با کتابداران، بویژه متخصصان، و بسیاری از پیامدهای آن که همه با آن آشنا هستیم نشان دهنده این غربت و شاید تلاشی است که برای استفاده از سپر «اطلاع‌رسانی» و جانشین کردن آن با واژه «کتابداری» می‌کنیم. اما چرا؟



گردیدند. بدون آنکه دلایل کافی، قاطع، و موجه برای نیاز کشور به چنین برنامه‌هایی داشته باشند، آثار این گونه نگرش و فشار را می‌توان در پیشنهادات مربوط به تغییر برنامه‌های موجود و در سطوح عالی تحصیلی این رشته نیز به خوبی مشاهده کرد.
اما در مورد پرسشها:

۱. برنامه‌های مقاطع تحصیلی موجود با توجه به انواع کتابخانه‌ها و دامنه‌های فعالیت‌های مورد انتظار فراهم آمده و چنانچه به درستی اجرا شود نسبت به برنامه‌های گذشته جامع‌تر و کامل‌تر است. البته نواقصی دارد که پس از اجرا مشهود گشته‌اند و مسلماً بازنگری و اصلاح را هم به صورت طولی و هم عرضی می‌طلبد.

۲. آموزش کتابداری همانند بسیاری از رشته‌های دیگر نظیر پزشکی، پرستاری و... از کارهای عملی تغذیه می‌کند. در این رشته دانش نظری و عملی چنان به هم وابسته است که نمی‌توان آنها را از یکدیگر تفکیک کرد. متأسفانه غالب مدرسان این رشته به دلیل آنکه از محیط کتابخانه به دورند و عملاً درگیر مسائل و امور آن نیستند با مشکلات آشنایی ندارند و در نتیجه بین مطالب نظری، که براساس دانسته‌ها و برداشتهای کلی و ذهنی خویش تدریس می‌کنند، و موقعیتهای ملموس و عینی کتابخانه‌ها فاصله زیادی وجود دارد. به این جهت، دانشجویس از فراغت از تحصیل قدرت استفاده از آموخته‌های خود را در محیط کار و رویارویی با مشکلات ندارد. علاوه بر این، چون غالب مدرسان ما روش تدریس را نیاموخته‌اند هر یک بنا به سلیقه شخصی خویش شیوه‌ای را در پیش گرفته‌اند و چون هیچگونه ارزشیابی هم وجود ندارد طبعاً تغییر یا اصلاح هم ضرورت پیدا نمی‌کند.

۳. در سطح کارشناسی به دلیل اینکه غالب مدرسان و دانشجویان به جزوهای درسی و مطالب ارائه شده در کلاس بسنده می‌کنند شاید مشکلی پیش نیاید. اما، پاسخ واقعی این سؤال را می‌تواند سرگردانی دانشجویان کارشناسی ارشد در کتابخانه‌های گروه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی و خون دلهایی که برای یافتن منابع مورد نیاز، بویژه برای تهیه پایان‌نامه، می‌خورند بدهد.

۴. از جمله لوازم و تجهیزات ضروری و اجتناب‌ناپذیر موارد زیر است:

الف. مجموعه‌ای کامل از ابزارها برای تدریس دروس متعدد مرجع‌شناسی، سازماندهی مواد، تهیه و سفارش؛
ب. تجهیزات و مواد سمعی و بصری برای آشنایی عملی دانشجویان با نحوه کاربرد آنها؛

ج. کامپیوتر و وسایل جانبی آن به تعداد کافی و نرم‌افزارهای لازم برای آشنایی عملی دانشجویان با این

سخت افزارها و نرم افزارها؛

د. وجود چند بانک اطلاعاتی بر روی CD یا به صورت Online برای کار عملی و تسلط دانشجویان بر نحوه کاربری آنها.

علاوه بر این، برای دروسی نظیر حفاظت و نگهداری مواد، آرشیو، و نسخه‌های خطی و کمیاب باید حداقل امکان کسب اطلاعات و تجربه عملی در مراکز ذیربط فراهم باشد.

۵. در میان مدرسان گروه‌های آموزشی، هستند افرادی که واقعاً به حرفه ورشته می‌اندیشند و کسانی که برای کسب





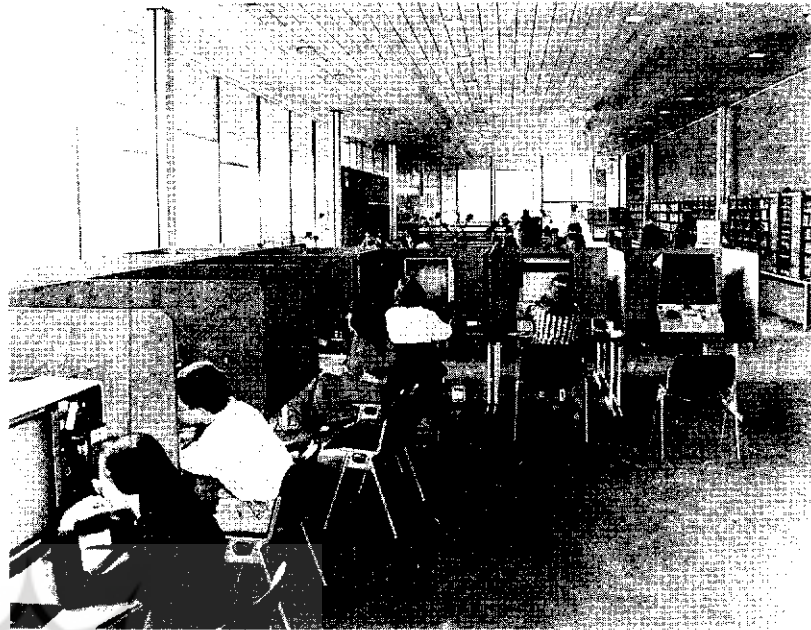
کتابداری و اطلاع‌رسانی را به عنوان یک رشته تخصصی و به عنوان یک حرفه زیر سؤال می‌برد و جایگاه آن را سست و منزلت می‌کند. آن کس که مسؤول مستقیم این بی‌حرمتی و بی‌اعتنایی به رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی است، مسؤولان گروه‌های آموزشی و مدرسانی هستند که متأسفانه فراموش کرده‌اند رسالت و وظیفه‌شان چیست و فراموش کرده‌اند که «حرمت امامزاده را متولی آن نگاه می‌دارد».

علاوه بر این، جاذبه عضویت در هیأت علمی و مزایایی که به دنبال دارد از یک طرف و سهولت کار تدریس بدون ارزیابی و با مسؤولیت کم، در مقایسه با اداره یک کتابخانه و دست و پنجه نرم کردن با انواع مشکلات و معضلات، موجب شده تا فارغ‌التحصیلان به کار تدریس رو آورند و با توسل به شگردهای مختلف به جمع مدرسان بپیوندند، بدون آنکه مایه تجربه کافی برای این امر خطیر داشته باشند. نمونه آن را می‌توان در گروه‌های متعدد کتابداری که روز به روز در حال ازدیادند، به وضوح مشاهده کرد.

۶. نظر به اینکه در آغاز تأسیس رشته کتابداری در ایران، جایگاه تشکیلاتی آن بر اساس مصلحت و اقتضا تعیین شد گروه‌های کتابداری زیر چترهای تشکیلاتی متفاوتی قرار گرفتند که شاید هیچ کدام چندان مناسبی با این رشته نداشته‌اند. تشکیل دو تا سه دانشکده که به طور جامع همه شاخه‌ها و مقاطع این رشته را دربرگیرد مناسبترین ساختار تشکیلاتی به نظر می‌رسد. البته منظور دانشکده‌هایی است که هر کدام با کادر مستقل و مجزای خود به آموزش بپردازند و امکان تربیت متخصصان توانا و رقابت سالم علمی را با سایر دانشکده‌ها فراهم آورند.

۷. در مقطع کارشناسی، به استثنای شاخه پزشکی، شرایط پذیرش دانشجویان از لحاظ مدرک تحصیلی یکی از عوامل مهم در تجمع دانشجویان در شاخه علوم انسانی و اجتماعی کتابداری و اجرا نشدن شاخه‌های دیگری اندک بودن خواستاران سایر شاخه‌هاست. نکته دیگر اینکه معمولاً رشته کتابداری جزو آخرین انتخاب‌های داوطلبان کنکور است و بدین جهت غالباً کسانی پذیرفته می‌شوند که امتیاز کافی برای ورود به سایر رشته‌ها را نیاورده‌اند و به عبارت دیگر، از توان علمی بالایی برخوردار نیستند.

در مقطع کارشناسی ارشد، با توجه به هدف برنامه که تربیت متخصص و مدیر است، نحوه آزمون مناسب به نظر می‌رسد. آنچه ایجاد اشکال می‌کند پذیرش افرادی است که بر اساس ملاحظات و مقررات خاص وارد برنامه می‌شوند. لازم است به این نکته توجه شود که کتابداری ایران در طول عمر ۲۷ ساله خود فارغ‌التحصیلان بسیاری داشته است، اما



محبوبیت فقط شعار آن را می‌دهند و بین حرف و عمل فرسنگها فاصله دارد، کسانی که در تلاش ارتقای کیفی و کمی این رشته هستند و آنان که از این عنوان به صورت پله پرتاب برای به دست آوردن قدرت یا قبضه بسیاری از مسؤولیتها - که شایستگی آن را دارند یا ندارند- استفاده می‌کنند.

اگر به مدرسان این رشته منصفانه، واقع بینانه، و به دور از هرگونه تعصب و جهت گیری نظر بیفکنیم، معدودند افرادی که توانایی و علاقه مندی به تدریس را دارند و بر اساس استانداردهای علمی حاصل کارشان مثبت و مفید ارزیابی می‌شود. در اینجا منظور از ارزیابی، صرفاً ارزیابی توسط دانشجویان نیست چون ملاحظات و دلایل متعددی آن را مخدوش می‌سازد، بلکه منظور ارزیابی فارغ‌التحصیلان در محیط کار و در برخورد با مشکلات و حل آنهاست.

مدرسان این رشته اولین کسانی هستند که هویت رشته - یا به عبارتی هویت خود - را به زیر سؤال برده‌اند. نمونه آن را می‌توان در برخوردشان با پایان‌نامه‌های دانشجویان کارشناسی ارشد دید. پذیرش پایان‌نامه‌هایی در زمینه‌های غیر کتابداری، آن هم با امتیازات عالی، و گذاری راهنمایی پایان‌نامه‌ها به غیر کتابداران و متخصصانی از هر رنگ و رشته و تخصص، داوری پایان‌نامه‌ها - یا به عبارت دیگر داوری کار کتابداران متخصص - توسط افرادی که حتی الفبای رشته را نمی‌دانند و مسائل بسیار دیگری از این قبیل ماهیت





معدودی از آنها مدیریت کتابخانه ها را به عهده داشته و دارند. عوامل متعددی در این امر دخالت داشته که از جمله می توان ضعف در تحلیل مسائل و چاره اندیشی و نیز تصمیم گیری صحیح را نام برد. در اغلب موارد با مسائل از دیدگاه صرفاً تخصصی کتابداری برخورد شده که با شکست مواجه شده است. این ضعف را باید با جذب افرادی با بنیه علمی بیشتر و توان مدیریت قویتر جبران کرد. چنانچه فارغ التحصیلان کارشناسی کتابداری چنین بنیه و توانی داشته باشند مطلوب است و مسلماً هم پذیرفته خواهند شد. اما نباید صرفاً به دلیل وجود کارشناس کتابداری درها را به روی نیروهای بالقوه خوب ببندیم و به ارتقای کیفی این رشته نیندیشیم. شاید با اجرای درست شاخه های مختلف کتابداری و فارغ التحصیل شدن دانشجویان این شاخه ها بخش عمده ای از این کمبود رفع شود و تجدیدنظر در نحوه برگزاری آزمون را طلب کند.

۸. در برنامه های آموزشی کتابداری چون مسؤلیتها و اهداف مشخص و تفکیک شده نیست هر سازمانی بنا به نیاز و سلیقه خود اقدام به برگزاری دوره های کوتاه مدت می کند که شاید بسیاری از آنها تکرار دروسی از برنامه رسمی کتابداری است و تنها معدودی به پر کردن شکافهای اطلاعاتی و روزآمد کردن اطلاعات کتابداران می پردازد. دوره های بلند مدت هم که عمدتاً به نام دوره های کاربردی اجرا می شوند همان برنامه های مقاطع تحصیلی موجود است که با هدفی متفاوت، یا شاید هم نتیجه ای متفاوت، یعنی باز شدن راه تحصیل برای گروهی خاص، اجرا می شوند. به این ترتیب مباحثی که می تواند و جا دارد در دوره های کوتاه مدت تدریس شود بدون متولی است و برخی نظیر کامپیوتر توسط سازمانهای دولتی و خصوصی، بدون توجه به نیاز کتابداران ارائه می شود که طبعاً دردی را درمان نمی کند.

۹. گروههای آموزشی کتابداری هرکدام باید به طور مستقل و بدون نیاز به یکدیگر خود را اداره کنند. در غیر این صورت، نیازی به ایجاد گروههای آموزشی متعدد نیست. استقلال هر گروه موجب رقابت سالم بین آنها و ایجاد تفکری متفاوت در دانشجویان و فارغ التحصیلان می شود که این لازمه پویایی رشته است. در عین حال، ارتباطهای علمی و تحقیقاتی بین گروهها - نه وابستگی و سرسپردگی - برای ادامه حیات و ایجاد هماهنگی در برنامه ها ضروری است.

۱۰. وقتی گروههای کتابداری هنوز نتوانسته باشند میان خود روابط صحیح و سالمی برقرار کنند چگونه قادر خواهند بود با سایر گروههای دانشگاهی رابطه ای صحیح و سالم ایجاد

کنند؟ برای ایجاد رابطه با دیگران باید خود را به آنها بشناسانیم و برای این شناساندن باید اول خود را بشناسیم.

۱۱. چنانچه درست اجرا شود بخش عمده ای از نیاز کتابدارانی را که وارد بازار کار می شوند پاسخ می دهد. بخش دیگری از آن که کار با کامپیوتر و استفاده از تکنولوژی اطلاعات است مستلزم بازنگری در برنامه های موجود و سرمایه گذاری مناسب و کافی از سوی مسؤولان است.

۱۲. اقدامات زیر برخی به صورت مستقیم و برخی غیرمستقیم می توانند بر بهبود آموزش این رشته تأثیر داشته باشند:

- آموزش روش تدریس به مدرسان؛
- آموزش روش تحقیق به مدرسان؛
- روزآمد کردن اطلاعات مدرسان از طریق برنامه های سخنرانی، سمینار و انتشار مجلات علمی؛
- برنامه ریزی مقاطع تحصیلی و اجرای آنها براساس نیاز کشور و دانشجویان؛
- سرمایه گذاری کافی برای آموزشهای عملی و تقویت منابع کتابخانه ای؛
- مقید کردن مدرسان به انجام پژوهش به عنوان بخشی از وظایف هیأت علمی؛
- جدی گرفتن کار پایان نامه دانشجویان و ایجاد انگیزه و روح تحقیق در آنها؛
- اشاعه اخلاق کتابداری، مبارزه با جاه طلبیها و بیکه تازیها.





محمود حقیقی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالار جامع علوم انسانی

در مزایای برنامه‌های موجود رشته کتابداری، می‌توان گفت که حداقل برنامه‌ای وجود دارد که مراکز آموزش کتابداری را از آشفتگی و بی‌برنامگی نجات می‌دهد و ضمناً وحدت و هماهنگی در آموزش کتابداری را در همه مراکز تأمین می‌کند. اما با نگاهی اجمالی به این برنامه‌ها کاستیهای آنها را می‌توان در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد به شرح زیر برشمرد:

الف. برنامه کارشناسی

یک. در برنامه این مقطع توجه به فرهنگ و معارف ملی به منظور آشنایی دانشجویان با میراث فرهنگی غنی کشور خود بسیار حائز اهمیت است، و در هر برنامه ریزی برای این رشته مسأله فراگیری معارف ملی باید از اولویت ویژه‌ای

۱. این واقعیت که آموزش رسمی کتابداری در ایران به پایان سومین دهه عمر خود نزدیک می‌شود، نشان می‌دهد که آموزش این رشته وضعیت تشییث شده‌ای یافته و بخشی لازم از برنامه‌های دانشگاهی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی ارزیابی ابعاد مختلف آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی و شناخت مسائل و مشکلات، کمبودها و کاستیها، و نیازهای آن ضروری می‌نماید.

اساساً برنامه ریزی در هر رشته آموزشی در وهله اول باید مبین هدفهای آن رشته و نیازهای جامعه باشد. برنامه‌ای در عمل موفق می‌شود که در آن به همه جوانب و مسائل یک رشته آموزشی توجه شده، و به صورتی تدوین یابد که ضمن برآوردن نیازهای جامعه به ارتقاء و بالندگی آن رشته نیز کمک نماید.



برخوردار باشد، تا بدین ترتیب دانش‌آموختگان ما از ذخایر فکری و معنوی و غنای فرهنگ ملی الهام گرفته، روح و فکر خود را اعتلا بخشیده و آفت از خود بیگانگی این ابتدای بزرگ زمان ما را از خود دور ساخته و در آینده نیز خود عامل ترویج و انتقال این معارف باشند. با مروری اجمالی بر برنامه موجود در بدنهٔ دروس پایه تنها دو واحد به درس تاریخ ادبیات ایران، و در بدنهٔ دروس موضوعی (غیر کتابداری) شاخهٔ علوم انسانی و اجتماعی، سه واحد به درس مبانی تاریخ اجتماعی ایران، و در بدنهٔ دروس موضوعی (غیر کتابداری) شاخهٔ هنر، دو واحد به درس آشنایی با هنرهای سنتی اختصاص یافته است. در این میان فقط دو واحد درس تاریخ ادبیات ایران برای همهٔ دانشجویان الزامی است، و سایر دروس مذکور فقط در گرایشهایی که دایر شدن هر یک به امکانات موجود در هر گروه آموزشی بستگی خواهد داشت، قابل ارائه خواهد بود. مناسب این بود که برای موضوعاتی از قبیل تاریخ، جغرافیا، و هنر ایران، و زبان و ادبیات فارسی منزلتی شایسته منظور می‌شد و واحدهای متناسبی برای هر یک در بدنهٔ دروس پایه اختصاص می‌یافت. در اینجا ذکر این نکته همچنین حائز اهمیت است که دروس معارف اسلامی نیز، هر چند در برنامهٔ کنونی واحدهایی به آن اختصاص یافته، باید پربارتر و عمیق‌تر ارائه گردد، به نحوی که امکان شناخت و بهره‌گیری شایسته از میراث عظیم فرهنگ و تمدن اسلامی برای تربیت شدگان این دوره فراهم آید، تا بدین ترتیب آنان از عظمت این تمدن که به مدت هشت قرن مشعل دار تمدن جهان به شمار می‌رفته مطلع گردند.

دو. در این برنامه شش شاخهٔ موضوعی: علوم پایه، علوم انسانی و اجتماعی، کشاورزی، فنی و مهندسی، هنر، و علوم پزشکی منظور شده است. وجود این شاخه‌ها در صورتی می‌توانست منطقی باشد که گزینش دانشجویان میان همهٔ گروه‌های آزمایشی امکان‌پذیر می‌بود. در غیر این صورت تحمیل شاخه‌های موضوعی، بجز شاخهٔ علوم انسانی و اجتماعی، به دانشجویانی که فقط از میان شرکت‌کنندگان آزمون سراسری در گروه آزمایشی علوم انسانی پذیرفته می‌شوند، کارایی لازم را نخواهد داشت. در این زمینه ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که شرح دروس این شاخه‌های موضوعی در اغلب موارد انتزاعی و بدون توجه به نیازهای واقعی این برنامه تهیه شده که نیاز به تجدید نظری اساسی دارد.

سه. در این برنامه همچنین به نیازهای قریب به نیمی از جمعیت کشور که کودکان و نوجوانان مملکت باشند توجهی شایسته نشده، و در کل برنامهٔ ۱۴۵ واحدی تنها دو واحد درس به ادبیات کودکان و نوجوانان اختصاص یافته است. در حالی

که چنانچه قرار باشد در شیوه‌های آموزش یک بعدی تحولی ایجاد گردد، این تحول باید از سطوح آموزشی پیش از دبستان و دبستان شروع شود. در این زمینه کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان و بخشهای کودکان کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌های آموزشگاهی نقش عظیمی می‌توانند بر عهده گیرند. لذا باید واحدهای اختصاص یافته متناسب با این نیازهای ملموس تعیین گردد، و دو واحد کنونی به هیچ وجه کافی به نظر نمی‌رسد.

چهار. اهمیت انواع کتابخانه‌های عمومی، دانشگاهی، تخصصی، و آموزشگاهی ایجاب می‌کند که واحدهای مستقلی برای یکایک آنها اختصاص یافته، و انتخاب این واحدها در همهٔ گرایشها برای دانشجویان الزامی باشد.

پنج. اختصاص ۱۴ واحد به کارآموزی دانشجویان در کتابخانه‌ها در صورتی می‌توانست موفق باشد که کتابخانه‌های مجهزی در انجم موفقیت‌آمیز این کارورزیها، گروه‌های آموزشی کتابداری را یاری می‌دادند. واقعیت این است که تعداد کتابخانه‌های مجهز چندان نیست که امکانات گذراندن ۴ نوع کارورزی را برای دانشجویان فراهم آورد. آنچه مسلم است اینکه وجود واحدهای عملی در کنار واحدهای نظری بویژه در این رشته ضرورت دارد، اما در شرایط فعلی این کارورزیها اغلب به صورت یکسان و تکراری و ملال‌آور و گذرانده می‌شوند. یک راه حل این است که نیمی از این واحدها با دروس نظری جایگزین شود، اما راه حل منطقی‌تر اینکه کتابخانه‌های مراکز آموزشی کتابداری آنقدر تقویت و تجهیز گردند که قسمت قابل ملاحظه‌ای از واحدهای کارورزی در خود آنها قابل گذراندن باشد.

شش. در مورد واحدهای زبانهای بیگانه، با توجه به وجود منابع مهمی در این رشته به زبان انگلیسی و نیز نیازهای ارتباطاتی کتابخانه‌ها با مراکز خارج از کشور، همچنین با توجه به وجود منابع معتابهی به زبان عربی در کتابخانه‌های کشور، توصیه می‌شود که ضمن تقویت واحدهای این دو زبان، گذراندن آنها برای همهٔ دانشجویان الزامی گردد، و در آموزش آنها به نیازهای خاص دانشجویان این رشته توجه شود. و به منظور نتیجه‌گیری بهتر، در تدریس آنها باید از کاربرد شیوه‌ها و ابزارهای نوین استفاده گردد.

ب. برنامهٔ کارشناسی ارشد

در برنامهٔ این مقطع، علاوه بر پرداختن به مبانی نظری و عملی کتابداری، باید به مسأله پژوهش در زمینه‌های مختلف رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی اهمیت لازم داده شود. اصولاً پژوهشهای مفید دانشجویان این سطح می‌تواند به ارتقاء و رشد حرفه کمک شایانی نماید. برنامه باید از چنان جامعیتی





برخوردار باشد که امکان فراگیری همه موضوعات ضروری را برای دانشجویان فراهم آورد. در زمینه این برنامه نکات زیر پیشنهاد می‌شود:

یک. در این مقطع نیز دروس با اهمیتی چون خدمات کتابخانه برای کودکان، مسائل و خدمات کتابخانه‌های عمومی، دانشگاهی، تخصصی باید مستقلاً دارای واحدهای مناسبی بوده و گذراندن آنها صرف نظر از نوع گرایش برای همه دانشجویان اجباری باشد.

دو. کتابخانه به عنوان نهادی با آثار فرهنگی، آموزشی، اخلاقی، و اجتماعی، ارتباط نزدیک با تحولات فرهنگی جامعه داشته و یکی از ارکان اساسی آن به شمار می‌رود. بررسی و تفسیر رابطه متقابل کتابخانه و جامعه، لزوم توجه دادن دانشجویان به زمینه‌های مناسب برای رشد و ترویج کتابخانه‌ها بر اساس نیازهای جامعه، و لزوم شناسایی عمیقتر نقش کتابخانه و خدمات آن در جامعه، و نیز لزوم شناخت عوامل رشد و رکود کتابخانه‌ها، ایجاد می‌کند که درس با عنوان کتابخانه و جامعه با واحدهای متناسبی و به عنوان درس اجباری در برنامه این دوره منظور شود. در برنامه کنونی تنها در شاخه کتابخانه‌های عمومی درس کتابخانه‌های عمومی و جامعه به ارزش دو واحد منظور شده است.

سه. در برنامه این مقطع درس سازماندهی مواد پیشرفته در برنامه شاخه‌های کتابخانه‌های دانشگاهی، آموزشی و



عمومی به عنوان درس اختصاصی اختیاری برای کارشناسان غیرکتابداری منظور شده، و در شاخه اطلاع‌رسانی اصلاً منظور نگردیده است. با توجه به اهمیت این درس و لزوم ارائه مطالب با عمق و گستره بیشتر، پیشنهاد می‌شود که گذراندن درس مزبور در همه شاخه‌ها و برای همه دانشجویان این مقطع الزامی گردد.

چهار. کتابخانه در طول حیات طولانی خود پیوندی نزدیک با زندگی فرهنگی جوامع بشری داشته، و آشنایی با بنیادهای تاریخی کتابخانه و کتابداری لازمه درک تحولات فرهنگی است. متأسفانه در این برنامه جایی برای درس تاریخ کتابخانه و کتابداری منظور نشده است.

پنج. دو واحد درس کارورزی برای دانشجویانی که لیسانس غیرکتابداری دارند، کافی به نظر نمی‌رسد، و برای این دسته از دانشجویان باید واحدهای بیشتری اختصاص یابد.

شش. با توجه به اهمیت درس مدیریت و نیز لزوم تربیت مدیران کارآمد برای کتابخانه‌ها، و ضرورت آشنایی عمیقتر دانشجویان با اصول و روشهای مدیریت، دو واحد درس مدیریت در برنامه فعلی ناکافی به نظر می‌رسد.

هفت. منابع دروس مختلف در برنامه این مقطع اکثراً قدیمی است و در بسیاری موارد ویرایشهای جدیدی از منابع قبلی منتشر شده یا منابع جدیدی که از منابع ارائه شده مناسب‌تر و مفیدتر بوده، به چاپ رسیده است. روی هم رفته برنامه‌های کنونی به تجدید نظری فوری و اساسی نیاز دارند.

۲. در زمینه برجستگیها و کاستیها در روش تدریس مدرسان، بهترین قضاوت راه دانشجویان این رشته می‌توانند داشته باشند. در سالهای اخیر ارزشیابی تدریس مدرسان توسط دانشگاه تهران متداول بوده، و نتیجه این ارزشیابیها هم با قید امتیازات کسب شده در اختیار هر مدرس قرار می‌گرفته است. به این ترتیب مدرسان تا اندازه‌ای از کاستیها و برجستگیهای روش تدریس خود مطلع می‌شوند و مدرسان دلسوز و علاقه‌مند در رفع کاستیهای موجود در تدریس خود می‌کوشیدند. این قبیل ارزشیابیها روی هم رفته می‌تواند در ارتقای کیفیت آموزش مؤثر باشند، به شرطی که صرفاً جنبه اطلاعی نداشته و دانشگاه نقشی بیش از این برای آن قائل شده و نتایج آنها بازتابی ملموس‌تر داشته باشد. در غیر اینصورت خاصیت چندانی در بهبود وضعیت آموزشی نخواهد داشت.

۳. کتابخانه‌های مورد استفاده دانشجویان این رشته وضعی چندان متفاوت از وضع سایر کتابخانه‌های دانشگاهی ندارند. بدیهی است کفایت و کارایی کتابخانه‌های دانشگاهی به برآوردن نیازهای آموزشی و پژوهشی این مراکز منوط می‌شود.





که حل مشکلات کتابخانه‌ها تا حد زیادی منوط به رفع این موانع است.

۴. علاوه بر کتابخانه‌های غنی بی که باید نیازهای آموزشی و پژوهشی دانشجویان و پژوهشگران را تأمین نمایند، به منظور پربار کردن برنامه‌های آموزش کتابداری، وجود آزمایشگاه‌های مجهز مرجع، فهرست‌نویسی، و امکان استفاده از وسایل سمعی و بصری برای دانشجویان این رشته از ضروریات اولیه آموزش کتابداری محسوب می‌شود. شاید کاربرد کامپیوتر در کتابخانه‌های مورد استفاده دانشجویان کتابداری واجب‌تر از کاربرد آن در سایر کتابخانه‌ها باشد. دانشجوی کتابداری در محیط آموزشی خود باید امکان کاربرد و استفاده از پدیده‌های تکنولوژی را، که وجود آنها در بهبود فعالیت‌های کتابخانه ضرورت دارد، داشته باشد؛ تا در صورت برخورد با این ابزار در محیط شغلی خود، هراسی از برخورد با مسائل آنها نداشته، و با اطمینان خاطر و با آشنایی قبلی که در زمان تحصیل از این مواد کسب کرده، از آنها در امور مختلف کتابخانه بهره جوید.

۵. در هر رشته اعتبار و اهمیت گروه‌های آموزشی به شایستگی و توانایی آموزشی و پژوهشی مدرسان آن رشته بستگی دارد. مدرسان این رشته باید بر آنچه می‌آموزند تسلط کامل داشته و از فضایل علمی برخوردار باشند، تا نه تنها در انتقال دانش خود، بل در ترویج این فضایل نیز توفیق یابند. صلاحیت علمی، تجربه حرفه‌ای، و شخصیت مدرسان گروه‌های آموزشی کتابداری موجب رشد و شکوفایی و پویایی این گروه‌ها می‌شود. مدرسانی شایسته محسوب می‌شوند که هم از لحاظ اخلاقی و هم از لحاظ علمی دارای حلم و بردباری بوده

در کتابخانه‌هایی که به دانشجویان و پژوهشگران رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی سرویس می‌دهند، مجموعه باید جامع و واجد غنایی لازم بوده و همه مواد مربوط به این حوزه منتشره در داخل کشور و در همه اشکال آنها در آن گرد آید. مجموعه مرجع این کتابخانه‌ها حائز اهمیت خاصی است و باید دربرگیرنده منابع اساسی موضوعات مختلف باشد. به منظور همگام شدن با پیشرفتهای کتابداری سایر ممالک باید با استفاده از فهرست‌ها، کتابشناسی‌ها، نمایه‌های معتبر، و نقدهای مندرج در مجلات علمی، منابع معتبر خارجی، بویژه منابعی که حاوی نتایج پژوهشی و سایر نوآوری‌های علمی در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی هستند، در مجموعه فراهم آید. در این زمینه نشریات ادواری معتبر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. نارسایی‌های موجود در این کتابخانه‌ها ناشی از عوامل گوناگون است. در صدر این عوامل، مشکل فراهم آوردن امکانات مادی و اعتبارات مالی برای تأمین منابع مورد نیاز قرار دارد. مسأله بودجه‌های ناکافی و غالباً نامشخص مواد کتابخانه‌ای لطامات جریان‌ناپذیری به روند مجموعه‌سازی در این کتابخانه‌ها زده است. کمبود منابع مورد نیاز و عدم امکان جایگزینی منابع قدیمی با منابع جدید ناشی از این واقعیت است. عامل دیگر فقدان استقلال عمل در کار سفارشات خارجی در برخی از این کتابخانه‌هاست. به عنوان مثال در کتابخانه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران که کتابهای خارجی مورد نیاز سالها از طریق سفارشات متمرکز دانشگاه باید تهیه می‌شد، در بسیاری موارد منابع پیشنهادی به علت مشکلات موجود در سازماندهی سفارشات متمرکز به کتابخانه واصل نمی‌شد. منابع اندکی هم که از این طریق تأمین می‌شد، با تأخیر بسیار زیادی دریافت می‌گردید. مسأله کمبود نیروی انسانی متخصص در این کتابخانه‌ها، کارآیی و کفایت آنها را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد، و مانع از آن می‌شود که خدمات این کتابخانه‌ها به صورت شایسته‌ای ارائه گردد. معدود کتابداران متخصص این کتابخانه‌ها ناچار انجام فعالیت‌های فنی و اداری را مقدم بر ارائه خدمات ضروری‌تر چون خدمات مرجع و پاسخگویی و پاسخایی و به طور کلی خدمات اطلاع‌رسانی قرار می‌دهند. فقدان فضای مناسب جهت مطالعه و انجام تکالیف دانشجویان مسأله قابل توجهی به شمار می‌رود. طبیعت دروس رشته کتابداری بویژه دروس فنی این رشته ایجاب می‌کند که امکان مطالعه و کار گروهی برای دانشجویان در فضای مناسبی فراهم آید. متأسفانه به دلیل کمبود فضا در کتابخانه‌ها تنها این امر مقدور نبوده، بلکه در این زمینه کتابخانه‌ها از برآوردن نیازهای عادی مراجعان خود نیز عاجز بوده‌اند. به نظر می‌رسد





و رسالت واقعی خود را در تلاش این نیل به تعلیم شایسته دانشجویان این رشته بدانند. همه موفقیت‌های این گروه‌ها مرهون تلاشها و زحمات این قبیل مدرسان بوده است. خوشبختانه جامعه فرهنگی روز به روز قدر این مدرسان را بیشتر می‌شناسد و مقدم آنان را در نهادهای فرهنگی گرامی می‌دارد. به هر حال نباید فراموش کرد که افرادی که در این رشته آموزش می‌بینند، خود بعداً آموزش دهنده می‌شوند و به عنوان کتابدار باید در پیشبرد امر آموزش تلاش کنند، بنابراین آموزشگران آنها باید آموزش رسمی آنان را بر این اساس بنیان نهند. به منظور تقویت هر چه بیشتر گروه‌های آموزشی کتابداری، مناسبترین شیوه برقراری، مکانیسی است که امکان جذب برجسته‌ترین و مستعدترین فارغ‌التحصیلان این رشته به این گروه‌ها فراهم آید. نباید از این هراسید که حضور بعضی در آموزش این رشته وجود بعضی دیگر را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

۶. گروه‌های آموزشی کتابداری غالباً در دانشکده‌های علوم تربیتی مستقر شده‌اند. این استقرار باعث شده است که رشته‌های علوم تربیتی و کتابداری از امکانات آموزشی و فرهنگی یکدیگر بهره‌مند شوند. در برنامه دوره کارشناسی کتابداری تعدادی از دروس برنامه رشته علوم تربیتی نظیر روانشناسی عمومی، روانشناسی اجتماعی، مبانی اجتماعی و روانی تعلیم و تربیت، و جامعه‌شناسی گنجانیده شده که برای دانشجوی کتابداری دروس مفیدی به شمار می‌روند. در مقابل، این دانشکده‌ها نیز از حضور گروه‌های کتابداری بهره‌مند بوده‌اند. گردآوری و سازماندهی مجموعه نسبتاً غنی کتابخانه این دانشکده‌ها غالباً مرهوش کوشش اعضای این



گروه‌ها بوده است. در سالیان اخیر نیز درس شیوه‌بهره‌گیری از کتابخانه برای دانشجویان رشته علوم تربیتی توسط این گروه‌ها ارائه شده است. روی هم رفته گروه‌های کتابداری موجودیت قابل احترام و موقعیتی هم‌تراز با سایر گروه‌ها در این دانشکده‌ها داشته‌اند. البته در شرایط مطلوب می‌توان گفت چنانچه این گروه‌ها به دانشکده‌های مستقل کتابداری تبدیل شوند، به ارتقای کتابداری ایران کمک مؤثری خواهد شد. اما چنانچه همه شرایط از جمله فضاهای آموزشی لازم، تجهیزات، منابع، و بویژه کادرهای آموزشی مورد نیاز فراهم نیاید، ضمن تلاش در جهت تأمین نیازهای فوق به منظور تأسیس دانشکده‌های کتابداری، وضعیت فعلی باید موقتاً حفظ شود.

۷. این رشته به دانشجویانی نیاز دارد که از کفایت، قابلیت، و استعداد شایسته، و توان حل مشکلات و تصمیم‌گیری برخوردار بوده و رشته کتابداری را نه از روی اضطرار یا تصادف، بل براساس علاقه و عشق به خدمات فرهنگی انتخاب نمایند. در حال حاضر گزینش دانشجو در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد صورت می‌گیرد. در مقطع کارشناسی از طریق کنکور سراسری و از میان شرکت‌کنندگان در گروه آزمایشی علوم انسانی، دانشجو برای این رشته گزینش می‌شود، به استثنای رشته کتابداری پزشکی که پذیرفته‌شدگان آن از میان شرکت‌کنندگان در گروه آزمایشی علوم تجربی هستند. بررسی‌های اجمالی نشان می‌دهد که انتخاب این رشته در زمره آخرین انتخاب‌های پذیرفته‌شدگان این مقطع بوده است. این واقعیت نمایانگر آن است که متأسفانه فضیلت رشته کتابداری آن طور که باید برای همگان روشن نبوده است. مسؤلیت شناساندن جایگاه واقعی این رشته بر عهده صاحب‌نظران این رشته و در رأس آنها با اساتید و مدرسان آن است. عدم شناخت داوطلبان کنکور از این حرفه ناشی از قصور و کوتاهی بی‌بی است که در این زمینه وجود داشته و باید هر چه زودتر در جبران آن کوشش شود، تا داوطلبان این رشته با آگاهی از امکانات و فرصت‌های گوناگون این حرفه که به قول ملویل دیوئی «یک شغل نیست، بلکه امانتی است مقدس و فرصتی است مناسب برای خدمت‌گزاری»، و پرداختن به آن مستلزم داشتن مایه‌های فرهنگی و فراگرفتن تعلیمات خاص نظری و تجربیات عملی است، با بینشی لازم به انتخاب آن مبادرت نمایند. بدیهی است در این صورت این انتخاب در زمره آخرین انتخاب‌ها نخواهد بود. نکته دیگری که در گزینش دانشجو باید رعایت شود برداشتن محدودیت گروه شرکت‌کنندگان است. این حوزه، حوزه‌ای چند رشته‌ای محسوب می‌شود، و در آن تقریباً

با همه علوم و معارف سرو کار است، و فارغ التحصیلان آن هم در انواع کتابخانه ها به کار اشتغال می یابند، لذا به منظور برآوردن نیازهای مختلف، ضروری است که گزینش دانشجو از همه گروههای آزمایشی صورت پذیرد.

در مقطع کارشناسی ارشد در سالهای قبل گروههای آموزشی مستقلاً به گزینش دانشجویی پرداختند، و هر گروه خود مسئولیت برگزاری آزمون مربوط را مطابق با معیارهای علمی برعهده داشت. حاصل آن شیوه گزینش در گروه آموزشی کتابداری دانشگاه تهران، پذیرش باصلاحیت ترین و برجسته ترین دانشجویان در این مقطع بود که هر یک هم اکنون در بزرگترین کتابخانه های مملکت به خدمت اشتغال داشته و در این مراکز منشأ خدمات ارزنده و تحولات بارزی بوده اند. در چند سال اخیر مسئولیت گزینش دانشجو در این مقطع به وزارت فرهنگ و آموزش عالی محول شده است، و چنین به نظر می رسد که در گزینشهای اخیر، بسیاری از داوطلبان که از صلاحیت علمی بالایی برخوردارند در آزمونها پذیرفته نمی شوند. مثلاً رتبه های اول مقاطع کارشناسی بعضاً در این آزمونها توفیقی نداشته اند، و در میان پذیرفته شدگان نیز بعضاً افرادی مشاهده می شوند که از لحاظ توان علمی با سایرین هم طراز نیستند. لذا پیشنهاد می شود که این شیوه گزینش مورد ارزیابی قرار گرفته تا ضعفها و قوتهای آن طی یک بررسی علمی آشکار گردد، و امکان انتخاب دانشجو بر مبنای معیار اعلییت فراهم آید.

۸. فارغ التحصیلان دوره های رسمی آموزش کتابداری در دوران اشتغال به کار خود به دوره های بازآموزی نیاز دارند. آشنایی با تحولات و مباحث نودر حوزه کتابداری و منابع جدید این حوزه و ویرایشهای جدید منابع قدیمی، قواعد جدید فهرستنویسی، همچنین آشنایی با کاربرد تجهیزات جدید مورد استفاده در این حرفه ضرورت تشکیل این دوره ها را ایجاب می کند. تشکیل دوره های کوتاه مدت همچنین برای کارکنان غیرمتخصص کتابخانه ها ضرورت دارد. در این مورد برنامه های آموزشی باید به صورتی باشد که آنان را با مقدمات و اصول کتابداری آشنا سازد تا بدین ترتیب کارایی آنها را در انجام وظایف محوله شان بیشتر کند. دانشکده های کتابداری و سازمانهای ذیصلاح نظیر کتابخانه ملی مناسبترین مرجع جهت برگزاری این دوره ها محسوب می شوند. روی هم رفته در صورتی این قبیل دوره ها می توانند موفقیت آمیز باشند که به امر کیفیت آموزشی در آنها توجهی دقیق مبذول گردد و صرفاً به گذراندن یک دوره کوتاه مدت و اخذ مدرک منجر نشود.

۹. متأسفانه ارتباط بین گروههای کتابداری چندان چشمگیر و قابل توجه نیست. بین این گروهها مشورت و هماهنگی که

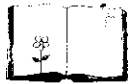


لازمه پیشرفت آموزش کتابداری است به ندرت وجود دارد. با تأسف باید گفت که هیچ تشکل حرفه‌ای و علمی آموزش کتابداری نیز وجود ندارد که امکان گردهمایی و تبادل نظر برای اعضای این گروهها را فراهم آورد. در حال حاضر ارتباط این گروهها تنها از طریق انتشار چند مجله کتابداری و تشکیل گهگاه چند سمینار و کنفرانس کتابداری و اطلاع‌رسانی و تدریس محدود اعضای یک گروه در گروههای دیگر برقرار است. همکاری و ارتباط نزدیک گروههای کتابداری و امکان تبادل نظر بین آنها و بهره‌گیری از تجربیات یکدیگر می‌تواند موجب اعتلای محیطهای آموزشی و پژوهشی کتابداری گردد و آموزش کتابداری را متحول و پربارتر نماید.

۱۰. فعالیت گروههای آموزشی موجود در یک دانشکده در راستای هدفهای آن دانشکده صورت می‌گیرد و بدین منظور گروهها باید در محیطی صمیمانه با یکدیگر همکاری نزدیک داشته باشند. برای مثال رابطه گروه کتابداری دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران با گروههای دیگر این دانشکده از این قاعده مستثنی نبوده و در مسائل علمی و فرهنگی و آموزشی از همکاری و هم‌فکری گروههای دیگر همواره بهره‌مند بوده است، و متقابلاً خود نیز در موارد لزوم، همکاریهای لازم را با گروههای دیگر معمول داشته است. در این دانشکده اعضای همه گروهها در کمیته‌ها و شوراهای مختلف آن مشارکت و همکاری دارند. علی‌رغم همه اینها همکاری گروهها را نمی‌توان در سطحی مطلوب دانست، زیرا زمینه‌های همکاری بسیار گستره‌تری می‌تواند وجود داشته باشد.

۱۱. کاستیهای موجود در شیوه‌های گزینش دانشجو، ناهماهنگ بودن توان علمی دانشجویان، نارساییهای موجود در دروس کارآموزی و احیاناً در تدریس برخی دروس، همچنین کاستیهای موجود در برنامه‌های آموزشی عواملی هستند که اثرات منفی در کیفیت آموزش دارند. اینها همه موجب می‌شوند که آموخته‌های فارغ‌التحصیلان کتابداری بعضاً متناسب با نیازهای بازار کار نباشد. البته این نقص شامل دانشجویان درس خوان و مستعد این رشته نمی‌شود. اینان در سایه هوش سرشارشان و با مطالعات مشخصی آموخته‌های لازم را کسب می‌کنند و با سرفرازای از عهده مشاغل کتابداری برمی‌آیند. رفع موانع فوق سبب خواهد شد که تناسب بیشتری بین آموخته‌های فارغ‌التحصیلان با نیازهای بازار کار بوجود آید.

۱۲. به منظور همگامی با پیشرفتهای جهانی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و آشنایی با نوآوریها در این حوزه، همچنین به



منظور آشنایی عمیق‌تر با معارف ملی و جهانی باید برنامه‌های آموزشی این رشته غنی‌تر و پربارتر گردد، به نحوی که دانشجویان این رشته امکان فراگیری معلومات مورد نیاز حرفه خود را داشته باشند. در راستای تحقق این هدفها، گروههای آموزشی کتابداری نیز باید در جهت دستیابی به آموزشهای زنده و پویا و سرشار از بحث و انتقاد و نظرخواهی اهتمام ورزند. با توجه به کمبود شدید نیروی انسانی متخصص در انواع کتابخانه‌ها، در وهله اول تقویت گروههای آموزشی به منظور وسعت بخشیدن به کار تربیت کتابداران ضروری می‌نماید. تقویت این گروهها هم از طریق اعزام فارغ‌التحصیلان ممتاز این رشته به خارج از کشور به منظور تکمیل تحصیلات و هم از طریق تأسیس دوره دکتری در داخل امکان‌پذیر است. در گزینش مدرس و استاد برای گروههای کتابداری، دانشگاهها باید این حق مسلم را به این گروهها مجدداً تفویض نمایند که در انتخاب همکاران جدید خود از استقلال رأی و عمل برخوردار باشند تا امکان جذب لایق‌ترین و صالح‌ترین افراد این گروهها فراهم آید. همچنین به منظور آشنایی اعضای این گروهها با آخرین پیشرفتهای و تحولات کتابداری باید امکانات لازم جهت برخورداری آنان از فرصتهای مطالعاتی فراهم آید. امکان شرکت آنان در مجامع بین‌المللی نیز یکی از عوامل مؤثر در اعتلای آموزش کتابداری محسوب می‌شود. در زمینه مواد و منابع مورد نیاز با توجه به وضع اقتصادی دانشگاهها که تاکنون بدان علت در فراهم آوردن مجموعه‌های غنی ناکام بوده‌اند، و با توجه به این واقعیت که تأمین امکانات مادی بدین منظور چندان آسان به نظر نمی‌رسد، مناسبترین راه حل استفاده از سرویس امانت بین کتابخانه‌ای توصیه می‌شود. به منظور تحقیق هرچه بهتر این سرویس ضروری است که فهرستگاههای جامع و دقیق که موجودی کتابخانه‌های مربوط را منعکس نمایند، تهیه گردد. همچنین در این زمینه بهتر است که نمایه مقالات مندرج در نشریات خارجی موجود در این کتابخانه‌ها نیز تهیه و منتشر گردد. در پایان شاید ذکر این نکته از اهمیت خاصی برخوردار باشد که در زمینه اعتلای برنامه‌های آموزشی کتابداری، تنظیم سیاستهای ملی اطلاع‌رسانی، وضع قوانین کتابداری، ترویج خدمات کتابداری و به طور خلاصه ارتقای نظام کتابداری کشور، هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین انجمن کتابداران یک کشور شود. ان شاء... به زودی شاهد تأسیس آن باشیم.